

تأثیر هویت مکانی بر زیست‌پذیری سکونت‌گاه‌های روستایی پیراشهری کلانشهر مشهد

علی اکبر عنابستانی^{۱*}، علیرضا معینی^۲

^۱استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد

^۲پژوهشگر پژوهشکده گردشگری جهاد دانشگاهی و دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد
تاریخ دریافت: ۹۸/۳/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۹۸/۸/۲۰

چکیده

مسئله تحقیق: هویت مکانی در سکونتگاه‌های روستایی پیراشهری مورد مطالعه از نظر ساکنان در چه وضعیتی قرار دارد؟ هویت مکانی به چه میزان بر زیست‌پذیری سکونتگاه‌های پیراشهری به ویژه در حاشیه کلانشهرها تأثیرگذار است؟

هدف تحقیق بررسی تأثیر هویت مکانی بر زیست‌پذیری روستاهای پیراشهری شهر مشهد می‌باشد.

روش تحقیق: جامعه آماری پژوهش طبق آمار سرشماری ۱۳۹۵، روستاهای دهستان تبادکان شهرستان مشهد در بخش مرکزی شهرستان مشهد است که در پژوهش به دو محور سیمان و کلات تقسیم شده است. طبق فرمول کوکران تعداد نمونه لازم جهت تکمیل پرسش‌نامه ۱۶۹ خانوار به دست آمد. جهت تجزیه تحلیل داده‌ها از آزمون‌های، تی تک‌نمونه‌ای، پیرسون و معادلات ساختاری Smat PLS و برای رتبه‌بندی روستاها از روش تصمیم‌گیری چند معیاره ویکور استفاده شده است.

بحث اصلی: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد میانگین هویت مکانی در بین روستاهای مورد مطالعه پایین است و ابعاد هویت مکانی در این پژوهش که شامل تمایز، تداوم، عزت نفس و خودکارآمدی بوده‌اند با متغیر زیست‌پذیری دارای رابطه معناداری بوده‌اند بدین صورت که هرچه هویت مکانی بالاتر زیست‌پذیری در بین روستاییان بالاتر باشد، متغیر تمایز به میزان ۰/۱۰۰ اثر مستقیم بر متغیر زیست‌پذیری دارد؛ بدین معنی که متغیر تمایز به میزان ۱۰ درصد توانسته است اثر مستقیمی بر سازه زیست‌پذیری بگذارد؛ همچنین متغیر تداوم به میزان ۰/۲۹۷- اثر مستقیم و معکوس بر سازه زیست‌پذیری دارد؛ یعنی با افزایش در سازه تداوم به میزان یک واحد، شاهد کاهش در سازه زیست‌پذیری به میزان ۰/۲۹۷- خواهیم بود. متغیر عزت نفس نیز به میزان ۰/۳۱۸ و متغیر خودکارآمدی به میزان ۰/۶۲۱ اثر مستقیم بر سازه زیست‌پذیری دارد. همان‌طور که مشاهده می‌شود متغیر خودکارآمدی به نسبت سایر متغیرها اثر مستقیم بیشتری به میزان ۶۲/۱ درصد بر سازه زیست‌پذیری اثر مستقیم دارد.

واژه‌های کلیدی: هویت مکانی، زیست‌پذیری، روستاهای پیراشهری، معادلات ساختاری، کلانشهر مشهد.

مقدمه

مکان یا جا، کانون مطالعات جغرافیایی است (بهفروز، ۱۳۷۴: ۵۵). عین حال؛ مکان، مفهومی در آمیخته با فرآیندهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است (بیگدلی و شریفی، ۱۳۸۷: ۲۴۳). اصطلاح مکان در جغرافیا به شکل رایج از دهه ۱۹۷۰ به دنبال

ارزیابی‌های انتقادی از مکان، به‌ویژه در اندیشه‌های فلسفی اواخر دهه ۶۰ مورد توجه قرار گرفت (واسکی و ویلیامز^۱، ۲۰۰۳: ۸۳۲). انسان مهم‌ترین عامل معنادارنده به مکان است و از عوامل تأثیرگذار در رفتار انسان در اماکن عمومی، ادراکی است که او از مکان دارد. انسان از مکان‌های متفاوت تصاویر متفاوتی در ذهن دارد. احساسات بر ادراک محیطی و شکل‌گیری

و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۲۰). نواحی روستایی پیرامون شهری در قیاس با میانگین نواحی شهری و روستایی، دارای تراکم بیشتر سکونتی و تجاری و صنعتی و همچنین نرخ‌های بالاتر رشد جمعیت و روندهای شتابان تبدیل اراضی و الگوهای سیال ارتباطات جمعی و مواضات بین محل سکونت و محل فعالیت شغلی‌اند. این روستاها منطقه انتقالی یا منطقه تعاملند و در آنها فعالیت‌های شهری و روستایی در کنار هم قرار می‌گیرد و اشکال چشم‌اندازها با تغییر و تحولات گسترده‌ای به واسطه فعالیت‌های انسانی مواجه می‌شوند؛ اما این روستاها از جنبه تحولات جمعیتی پذیرای دو جریان از سوی مهاجران هستند: گروه نخست، تهیدستان شهری‌اند که در جستجوی شیوه زندگی روستایی‌تر و یا مسکن ارزان‌قیمت‌تر هستند و گروه دوم اقشار فقیر روستایی که در پی کار و نیز فرصت‌های بهتر برای فرزندانشان هستند که چالش‌های سکونتگاه‌های پیراشهری در هویت روستاییان و به تبع آن هویت مکانی آن سکونتگاه تأثیرگذار می‌باشد (بندرآباد و احمدی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۶۲).

شهرستان مشهد در استان خراسان رضوی، به دلیل مرکزیت و تمرکز امکانات، خدمات، سرمایه، جریان‌ها و غیره، به لحاظ روندهای مهاجرتی از شرایط ویژه و قابل تأملی برخوردار است. طی دوره ۵ ساله ۱۳۹۰-۱۳۹۵ از کل مهاجران وارد شده به استان، ۴۸٫۶ درصد وارد شهرستان مشهد شده‌اند. از مجموع مهاجران وارد شده به شهرستان مشهد، ۵۴٫۳ درصد از شهرستان‌های استان خراسان رضوی و ۴۵٫۷ درصد از سایر استان‌های کشور وارد شهرستان مشهد شده‌اند. در این پژوهش، مورد مطالعه روستاهای پیراشهری کلانشهر مشهد است. بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۹۵، جمعیت دهستان تبادکان دارای جمعیت ۱۰۵۲۸۵ نفر که در ۹۶ روستا پراکنده هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). این حجم جمعیت به دلیل رشد غده‌ای روستاهای پیراشهری دهستان‌های مذکور است بررسی‌ها نشان می‌دهد نرخ رشد جمعیت روستاهای پیراشهری طی دهه‌های اخیر بالا بوده است

تصویر ذهنی انسان از مکان تأثیر می‌گذارد و همین تصاویر ذهنی است که به مکان هویت می‌دهد. افزون بر ساختار کالبدی مکان، خاطرات افراد در هویت بخشیدن به مکان مؤثر است (سادات حبیبی، ۱۳۸۷: ۴۰). طرح هویت مکان در جغرافیا، محصول ورود اندیشه‌های روانشناسی در جستارهای جغرافیای انسانی است. به باور بسیاری از جغرافی‌دانان، در شکل‌گیری نقشه‌های ادراکی ذهنی و واکنش انسان به محیط عینی، تصور انسان و اوضاع روانشناسانه اوضاع اجتماعی محیط نیز مؤثر است. به همین دلیل، دانش جغرافیا به میزان زیادی با مفاهیم ذهنی افراد سر و کار دارد (پوراحمد، ۱۳۸۹: ۱۶۵). هر مکان خصیصه‌هایی دارد که با آن از سایر مکان‌ها متمایز و هویت پذیر می‌گردد. داشتن صفت مشخص با عقاید و باورهای اجتماعی، اقتصادی، مذهبی و فرهنگی می‌تواند تمایز را برجسته سازد. ماهیت مکان نه تنها از محل استقرار، کارکردهای ضعیف، اشغال آن به وسیله جامعه و تجربیات مادی انسان‌ها سرچشمه می‌گیرد، بلکه همه این عوامل ضرورتاً چهره و ماهیت مکان را شکل می‌دهند (شکویی، ۱۳۸۸: ۲۵۷)؛ همچنین هویت مکان به عنوان یکی از راههای ارتباط بین انسان و مکان، بیشتر متوجه ارضای ذهنی و عاطفی بشر است تا نیازهایی که به طور مستقیم با جسم او در ارتباط باشند. هویت مکان از ارزش‌های فردی و جمعی نشأت می‌گیرد و با گذر زمان، عمق، گسترش و تغییر می‌یابد (ادوارد^۱، ۱۹۹۳: ۲۵). امروزه با ورود انسان به عصر صنعت، بازسازی و بهسازی روستاها بدون توجه به الگوها و اصول معماری بومی و ویژگی‌های کالبدی، نقش هویت‌بخش آنها را به تدریج کمرنگ‌تر کرده و موجب شده است روستاهایی ایجاد شود که هیچ تناسبی با فرهنگ و قومیت آنها نداشته باشد. این بحران هویت یا به عبارت دقیق‌تر هویت مکانی ناشی از نبود مکان به معنای واقعی آن است؛ مکانی که انسان را در ارتباط با لایه‌های دیگر وجود خویش قرار می‌دهد و این لایه‌ها به شناخت انسان از محیط پیرامون و خویشتن خود کمک می‌کند (هاتف شجاعی

۲۰۱۷: ۴۲) و اگر همه یا یکی از این ابعاد مورد مصالحه قرار گیرد، هویت مکان می‌تواند تهدید شود (مک کرچر^۷ و همکاران، ۲۰۱۵: ۵۴). اولین اصل هویت مکان، تمایز است که به‌عنوان ایجاد احساس تمایز شخصی و یا منحصر به فرد بودن است (بریکول^۸، ۱۹۸۶: ۳۸). تمایز ناشی از درک فرد از تفاوت بین یک مکان با دیگر مکان‌هاست. یک ویژگی خاص از یک مکان موجب می‌شود که فرد ارتباط خاصی با آن مکان داشته باشد. مکانی که ویژه و منحصر به فرد اوست و شناخت آن برای او نسبت به سایر مکان‌ها راحت‌تر است. به عبارت دیگر، تمایز اشاره به مکان یا محلی دارد که می‌تواند از دیگر محل‌ها متمایز باشد و مرتبط است با درک مثبت از منحصر به فرد بودن یک مکان (گینتینگ و همکاران، ۲۰۱۷: ۴۳). به‌طور خلاصه تمایز، همان حس و انگیزه تفاوت داشتن با دیگران است (وانگ^۹، ۲۰۱۶). دومین اصل هویت، اصل تداوم و یا پیوستگی است. استدلال می‌شود که تداوم یک انگیزه یا تمایلی کلیدی است که ایجاد و حفظ هویت را هدایت می‌کند (بریکول، ۱۹۸۶: ۳۸). و باید به عنوان یک مؤلفه کلیدی در توضیح فرآیند هویت و تعریف روابط با سایر عناصر هویت مکانی در نظر گرفته شود. بر اساس اصل تداوم، استدلال می‌شود که یک مکان می‌تواند یک احساس روانی از نظر پایداری زمانی ایجاد کند؛ (وانگ، چن^{۱۰}، ۲۰۱۵). تداوم بازتابی از تمایل به حفظ نوعی ارتباط در طول زمان است که این امر برای سلامتی روان مهم است (مک کرچر و همکاران، ۲۰۱۵: ۵۴). عزت نفس سومین اصل است که اشاره به ارزشیابی مثبت فرد یا گروه از هویت دارد (وانگ، چن، ۲۰۱۵). با توجه به هویت مکان، می‌توان گفت مکان‌ها و محیط‌های مورد علاقه می‌تواند منجر به عزت نفس شوند. به عبارت دیگر، ارزیابی اعضای مکان بر عزت نفس تأثیر می‌گذارد (جو و ریان^{۱۱}، ۲۰۰۸). عزت نفس زمانی به وجود می‌آید که فرد خودش را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و به فرد احساس

هویت مکانی یکی از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند زیست‌پذیری افراد را در سکونتگاهها تحت تأثیر قرار دهد. بر این اساس این پژوهش به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر است.

- هویت مکانی در سکونتگاههای روستایی پیراشهری مورد مطالعه از نظر ساکنان در چه وضعیتی قرار دارد؟
- هویت مکانی به چه میزان بر زیست‌پذیری سکونتگاههای پیراشهری به‌ویژه در حاشیه کلانشهرها تأثیرگذار است؟

ادبیات نظری تحقیق

گیدنز^۱ در یکی از آخرین نقطه نظرهای جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه معتقد است هویت مکان در واقع همان چیزی است که فرد چنان‌که در اصطلاح خودآگاهی آمده است به آن آگاهی دارد. مفهومی که به معنای تداوم فرد در زمان و مکان است (گیدنز، ۱۳۸۷: ۸۲). معنای هویت مکانی در ادبیات روان‌شناسی تحت مفاهیم مختلفی مطرح شده است که می‌توان نزدیک‌ترین آن‌ها را حس مکان، دلبستگی به مکان و وابستگی به مکان برشمرد (لویکا^۲، ۲۰۰۸: ۲۱۱). به باور لاکرمن، جغرافی‌دانان نه تنها علاقه‌مند به درک این نکته هستند که چرا مکان، رخدادی واقعی در آگاهی انسان است، بلکه به عقاید مردم به این مکان‌ها نیز علاقه‌مند هستند. این عقاید و علایق انسان است که به یک مکان هویت می‌بخشد (لوکرمان^۳، ۱۹۶۴: ۱۶۹).

هویت مکان، ارتباط عمیق بین یک مکان و هویت شخصی فرد را تعریف می‌کند (بودراک^۴ و همکاران، ۲۰۰۹: ۸۳۲). هویت مکان با چهار جنبه شکل گرفته که تمایز، تداوم، عزت نفس و خودکارآمدی نامیده می‌شود برای حمایت از هویت مکانی این چهار جنبه باید در تعادل با یکدیگر باشند (گینتینگ^۵، واهید^۶،

7. McKercher
8. Breakwell
9. Wang
10 Wang, Chen
11. Gu & Ryan

1. Giddens
2. Lewicka
3. Lukermann
4. Budruk
5. Ginting
6. Wahid

که مسلماً عوامل متعددی در بهبود شرایط زندگی فرد و جامعه دخیل می‌باشند و نسبی است از آن‌رو که ممکن است اصول و مشخصه‌هایی که در یک جامعه به عنوان شرایط مطلوب برای زندگی تصور می‌گردد، از منظر دیگر و با در بخش دیگر از دنیا همان ویژگی‌ها، به شدت نامطلوب به نظر آید (عیسی‌لو و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۹). زیست‌پذیری، یک مفهوم کلی است که با تعدادی از مفاهیم و اصطلاحات دیگر مانند پایداری، کیفیت زندگی و کیفیت مکان، و اجتماعات سالم در ارتباط است (پیتمان، نوریس^۳، ۲۰۰۰: ۱۲۱) و (بلاسینگیم^۴، ۱۹۹۸: ۴). زیست‌پذیری به عنوان یک یک مفهوم می‌تواند با توجه به بستر و زمینه‌ای که در آن تعریف می‌شود، بسیار گسترده و یا محدود باشد. با این وجود، کیفیت زندگی در هر مکان در کانون توجه این مفهوم قرار داشته و شامل نماگرهای قابل اندازه‌گیری بسیار متنوعی است که معمولاً تراکم، حمل و نقل، امنیت و پایداری، اجزای ثابت آن را تشکیل می‌دهند (دانیل^۵، ۲۰۰۸: ۵۵). مردم و مکان دو سوی مفهوم زیست‌پذیری هستند (لاریس^۶، ۲۰۰۵: ۲۰۰۵). زیست‌پذیری منعکس‌کننده رفاه یک اجتماع محلی و دربرگیرنده بسیاری از خصوصیات است که یک مکان را به جایی تبدیل می‌کند که مردم تمایل به زندگی در حال و آینده دارند (ویکتورین^۷، ۲۰۰۸: ۱۰).

ورگانست^۸ (۲۰۰۳) چارچوبی را برای زیست‌پذیری زیست‌پذیری در منطقه روستایی آسپینگه^۹ در سوئد معرفی نمود. در این چارچوب، زیست‌پذیری حاصل تعامل بین پنج عامل ساکنان محلی، زندگی اجتماعی، سطح خدمات، اقتصاد محلی و مکان فیزیکی است. در مورد ساکنان محلی، تعداد، ساختار جمعیت‌شناختی (سن و جنس) و شیوه زندگی در بین سایر عوامل اهمیت بیشتری دارند. سطح خدمات اشاره به

وابستگی به یک مکان می‌بخشد و باعث می‌شود که به توسعه آن مکان متعهد شود. فرد با مکان‌هایی که نماد قابل رویت دارند، خوشحال می‌شود و احساس غرور خواهد کرد و از دیگر مکان‌ها که حس‌های دیگری به او می‌بخشد، اجتناب می‌کند (گینتینگ و همکاران، ۲۰۱۷: ۴۳). اصل بعدی هویت مکان، خودکارآمدی است. احساس تعلق نسبت به یک مکان با حس خودکارآمدی فرد ارتباط دارد (جو و ریان، ۲۰۰۸: ۶۳۹). خودکارآمدی احساس باور یک فرد به توانایی‌های خود برای مقابله کردن و کنار آمدن با شرایط در حال تغییر یا کنترل محیط تعریف شده است. خودکارآمدی یک محیط مدیریتی است که آیت‌های آن راحتی، ایمنی و سهولت دسترسی در آن محیط است؛ بنابراین فرد می‌تواند آنچه را می‌خواهد انجام دهد (گینتینگ و همکاران، ۲۰۱۷: ۴۳). در شکل‌گیری هویت مکانی دو مرحله وجود دارد: در مرحله نخست، فرد محیط را شناسایی می‌کند که هویت مکان نامیده می‌شود. در مرحله دوم فرآیند پیوند روانی با مکان صورت می‌گیرد و به شکل هویت مکانی تداوم می‌یابد. می‌توان گفت کسانی که هویت مکانی قویتری دارند در واقع خود را با روستا هم‌پیوند می‌دانند و ارزیابی بهتر از وضعیت زیست‌پذیری در محیط روستایی دارند

زیست‌پذیری معمولاً با سه قلمرو اصلی مشخص می‌شود: کیفیت محیطی، تسهیلات محلی و بهزیستی فردی (لینارد^۱، ۱۹۹۵: ۵۵)؛ همچنین مسکن، اشتغال، اشتغال، تفریحات، نظافت و امنیت، قلمروهای زیست‌پذیری در پژوهش هاوولی و همکاران است (هاوولی^۲ و همکاران، ۲۰۰۶: ۹۵۵). زیست‌پذیری در معنای اصلی و کلی خود به مفهوم دستیابی به قابلیت زندگی است و در واقع همان دستیابی به کیفیت برنامه‌ریزی خوب یا مکان پایدار است. اغلب واژه زیست‌پذیری با واژه‌های سرزندگی و قابلیت زیست تداخل معنایی پیدا می‌کند. این انگاره به طور کلی مفهومی پیچیده و نسبی است. پیچیده است از آن‌رو

3. Pittman, norris
4. Blassingame
5. Daniel
6. Larice
7. Victorian
8. Vergunst
9. Aspinge

1. Lennard
2. Howley

زیست‌پذیر به لحاظ اجتماعی می‌تواند به واسطه سطوح پایین محرومیت، پیوستگی اجتماعی قوی، ارتباطات خوب و پویایی میان لایه‌های اجتماعی، امنیت، روحیه جمعی و غرور مدنی، دامنه وسیعی از شیوه‌های زندگی، روابط موزون و یک جامعه شهری با طراوت توصیف گردد.

■ زیست‌پذیری زیست‌محیطی: از یک‌سو پایداری اکولوژیکی که در رابطه با متغیرهایی نظیر آلودگی هوا و صوت، دفع مواد زائد و فاضلاب، انبوهی ترافیک و... قرار دارد را در بر می‌گیرد و از سوی دیگر به میزان مصرف منابع انرژی در شهر که منبعث از شیوه زندگی ساکنان، رفتار مصرفی آن‌ها و نیز نحوه چیدمان فضایی عناصر اصلی شهر و محلات آن می‌باشد، بستگی دارد (جمعه‌پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۲).

با توجه به مبانی نظری و اهداف تحقیق، مدل مفهومی تحقیق به قرار زیر ارائه می‌گردد. عمده مطالعات انجام گرفته در رابطه با هویت و هویت مکانی در جوامع شهری بوده و پژوهشی با تأکید بر جوامع روستایی انجام نگرفته است. در اینجا به برخی از پژوهش‌ها می‌پردازیم:

ارتباطات، مدارس، خانه‌ها برای سالمندان و فروشگاهها دارد. اقتصاد محلی نشان‌دهنده توان محل برای ایجاد اشتغال و درآمد و در نهایت مکان فیزیکی تشریح‌کننده چشم‌انداز و ساختمان‌های ناحیه است (ویرگانست، ۲۰۰۳: ۸). لاندری مفهوم زیست‌پذیری را با ۴ رویکرد عمده و به شکل موضوعی بررسی و ۹ معیار مؤثر را برای شناسایی یک مکان زیست‌پذیر بر می‌شمارد: تراکم مفید جمعیت، تنوع، دسترسی، ایمنی و امنیت، هویت و تمایز، خلاقیت، ارتباط و تشریح مساعی، ظرفیت سازمانی و رقابت. زیست‌پذیری همچون بسیاری از پارادایم‌های برنامه‌ریزی نظیر پایداری و غیره قابل تفکیک و تعمیم به ابعاد اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، زیست محیطی به شرح ذیل است:

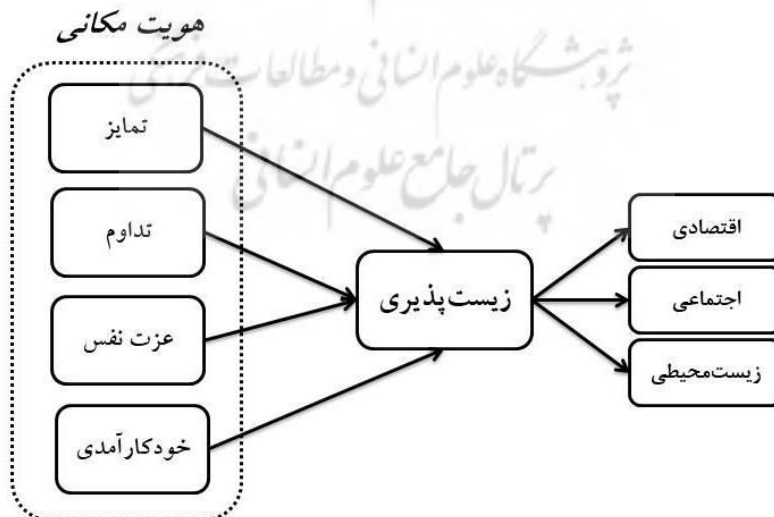
■ **زیست‌پذیری اقتصادی:** در برگزیده سطوح اشتغال، درآمد خالص، استانداردهای زندگی مردم، عملکرد خرده‌فروش‌ها، ارزش زمین، دارائی‌ها و در نهایت آن بخش از هزینه‌های زندگی و رفت و آمد ساکنان شهر است که در ارتباط با قواعد برنامه‌ریزی شهری قرار می‌گیرند.

■ زیست‌پذیری اجتماعی- فرهنگی: به وسیله سطوح فعالیت‌ها و تعاملات اجتماعی به علاوه ماهیت ارتباطات اجتماعی سنجیده می‌شود. یک شهر

جدول ۱: پیشینه تحقیق

ردیف	محقق/ان؛ سال	نتیجه
۱	پرتی و همکاران (۲۰۰۳)	به این نتیجه رسیده‌اند که هویت مکانی در میان بزرگسالان بیش از نوجوانان است و نوجوانان بیشتر تمایل به تغییر مکان برای کسب تجربه دارند.
۲	کریمی مشاور و نگین تاجی (۱۳۹۷)	نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که در بین نواحی ۴ گانه شهر یاسوج، شهروندان ساکن در ناحیه ۴، کمترین تعلق خاطر و هویت مکانی نسبت به شهر یاسوج و شهروندان ساکن در ناحیه ۲ با وزن ۰/۳۷۲۹، بیشترین تعلق خاطر و هویت مکانی را نسبت به شهر یاسوج دارند. بین دو متغیر هویت مکانی و میزان وابستگی شهروندان شهر یاسوج و هویت مکانی و منظر شهری، همبستگی بالایی به ترتیب با میزان بتای ۰/۹۲۰ و ۰/۱۰۲ درصد وجود دارد و هویت مکانی به ترتیب با میزان بتای ۰/۶۵، و ۰/۳۱ درصد به صورت مستقیم باعث افزایش حس وابستگی شهروندان نسبت به شهر یاسوج و شکل‌گیری نقشه ذهنی و عینی منظر شهری آنها خواهد شد.
۳	زنگنه و همکاران (۱۳۹۷)	نتایج حاصل از آزمون تی هتلینگ و تی تک نمونه‌ای و فریدمن نشان از تأثیرگذاری پنج شاخص اولیه در افزایش میزان زیست‌پذیری دارند. و همین‌طور هشت شاخص باقیمانده دیگر نیز از میانگین اصلی پایین‌تر هستند که این نیز نشان‌دهنده وضعیت نامطلوب این شاخص‌ها در سطح شهر مورد مطالعه است، پس در نهایت می‌توان ادعا نمود که میزان زیست‌پذیری در تربت جام به عنوان شهری مرزی پایین‌تر از سطح میانگین قرار دارد.
۴	هاتفی شجاع و	در پژوهش خود به بررسی این موضوع پرداختند که با توجه به طرح توسعه روستاها، هویت مکانی روستای

<p>دره مرادیبگ تحت تأثیر تحولات اخیر چگونه باید باشد؟ از نظر هانری لوفور، فضا عاملی سیاسی و اجتماعی است که هویت مکان آن بر اساس عوامل درونی و بیرونی است. هالفکری بر اساس این مدل، هویت روستاها را برآمده از موقعیت‌های روستا، بازنمودهای رسمی و زندگی روزمره روستاییان می‌داند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد برای پاسخگویی به نیاز ساکنان با سنین مختلف و به منظور هویت‌بخشی در الگوی مسکن ویلایی و روستایی باید توسعه عمرانی و امکانات شهری در روستا لحاظ شود.</p>	<p>همکاران (۱۳۹۵)</p>	
<p>نتایج آزمون t در ارتباط با متغیر هویت اجتماعی دو گروه نشان می‌دهد بین متغیرهای هویت فردی و هویت گروهی با متغیر مستقل (توسعه گردشگری) رابطه معنی‌داری وجود ندارد. اما بین متغیرهای هویت مذهبی، هویت ملی، هویت خانوادگی و هویت جنسیتی با متغیر مستقل رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ در نهایت، با توجه به نتیجه پژوهش پیشنهادت کاربردی ارائه شده است.</p>	<p>حیدری ساریان (۱۳۹۵)</p>	<p>۵</p>
<p>یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل اطلاعات نشان می‌دهد، رابطه معناداری میان پذیرش الگوی نوین مسکن و نوع هویت خانوارهای روستاهای مورد مطالعه وجود دارد و با دسترسی خانوارها به اعتبارات مسکن تغییرات الگوی مسکن افزایش می‌یابد.</p>	<p>محمدی یگانه و همکاران (۱۳۹۴)</p>	<p>۶</p>
<p>نتایج تحقیق نشان می‌دهد که از میان مؤلفه‌های کیفیت زندگی ۱۵ روستای بررسی‌شده، شاخص‌های اقتصادی و مدت سکونت در روستا بر حس تعلق مکانی آن‌ها بیشترین تأثیر را داشته است، همچنین نتایج بیان می‌کند که شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی در روستاهای مطالعه‌شده تفاوت معناداری با یکدیگر دارند.</p>	<p>احمدی و مهدوی (۱۳۹۳)</p>	<p>۷</p>
<p>هویت ساکنان در محیط‌های مسکونی از طریق دو معیار مورد بررسی قرار می‌گیرد، یکی «قابلیت‌های محیط» که تعاملات بالقوه موجود در محیط را از طریق وجوه کیفی و ابعاد کارآمدی فضا پدید می‌آورد، دومی شیوه «تعاملات ساکنان» با محیط است که از طریق احساس مالکیت آن‌ها نسبت به محیط پدید می‌آید؛ زیرا هویت اجتماعی بر اساس همکاری اجتماعی شکل می‌گیرد و در ارتباط با احساس زندگی در محیطی است که تعلق به همه افراد ذینفع در آن دارد، یعنی؛ «احساس ما» بودن با دیگران، باید وجود داشته باشد.</p>	<p>پوردیهی و نورتقانی (۱۳۹۲)</p>	<p>۸</p>
<p>نتایج حاکی از آن است که میزان وجود مولفه‌های هویت شهری در شهر گلبهار، ۹۱٫۳ درصد متوسط به پایین است؛ همچنین آزمون فرضیه ۱ تحت عنوان «به نظر می‌رسد بین مدت زمان سکونت و تعلق مکانی ساکنان رابطه وجود داشته باشد» نشان می‌دهد که بر اساس ضریب گاما، حدود ۱۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته (تعلق مکانی ساکنان) را متغیر مستقل (مدت زمان سکونت) تبیین می‌کند. نتایج آزمون فرضیه ۲ نیز که به بررسی همبستگی بین دو متغیر مولفه‌های هویت شهری و تعلق مکانی ساکنان می‌پردازد بیانگر رد شدن فرض صفر و اثبات فرض مخالف است. ضریب همبستگی ۰٫۳۶۵، همبستگی متوسط و مستقیم بین دو متغیر را نشان می‌دهد.</p>	<p>وارثی و همکاران (۱۳۸۹)</p>	<p>۹</p>



شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق

روش تحقیق

با توجه به هدف تحقیق، این پژوهش ترکیبی از روش‌های توصیفی - تحلیلی است. روش‌های توصیفی در بردارنده مطالعات اسنادی درباره موضوع مورد مطالعه و مدل‌های تحقیق است؛ همچنین توصیفی از وضعیت روستاهای مورد مطالعه از نظر هویت مکانی و زیست‌پذیری است. در مطالعات اسنادی، پس از تدوین چارچوب نظری پژوهش سعی گردید این موضوع مورد ارزیابی قرار گیرد. ابزار اصلی برای گردآوری داده‌های

مورد نیاز، پرسش‌نامه محقق ساخت بود که روایی آن (روایی صوری) پس از اعمال اصلاحات لازم توسط کارشناسان مربوط و اساتید متخصص به تأیید رسید. به منظور بررسی پایایی ابزار مورد استفاده یک مطالعه راهنما (پیش‌آزمون) با تعداد ۱۵ پرسش‌نامه در روستاهای مورد مطالعه انجام گرفت و ضریب آلفای کرونباخ برای متغیر هویت مکانی و زیست‌پذیری به ترتیب ۰/۸۸۷ و ۰/۷۳۲ است که نشان‌دهنده پایایی ابزار مورد استفاده است.

جدول ۲: شاخص‌ها و گویه‌های پژوهش بررسی متغیر هویت مکانی و شاخص‌های آن،

ابعاد	گویه‌ها	آلفای کرونباخ
تمایز	ویژگی خاصی داشتن روستا، احساس افتخار به زندگی در این روستا، احساس مثبت داشتن به این روستا، داشتن یک ویژگی منحصربه‌فرد، احساس متفاوت بودن نسبت به دیگران	۰/۸۸۸
تداوم	احساس روانی مثبت در این روستا، احساس غربت نداشتن، احساس لذت از رابطه خویشاوندی با دیگران، احساس کمبود کردن موقع دوربودن از این روستا، ترجیح دادن زندگی در این روستا	۰/۸۴۰
عزت نفس	وابسته به زندگی در این روستا، از زندگی در این روستا احساس رضایت و خوشحالی دارم، تأمین کردن نیازهای ضروری از این روستا، زندگی در این روستا باعث امید به زندگی، احساس دل‌بستگی داشتن به این روستا، احساس غرور داشتن در این روستا، مشارکت در طرح‌های عمرانی روستایی، تمایل به سرمایه‌گذاری در صورت داشتن منابع مالی	۰/۸۴۶
خودکارآمدی	احساس آرامش با زندگی در این روستا، احساس راحتی و آسایش با زندگی در این روستا، ایمن بودن مسیره‌های دسترسی این روستا، ایمن بودن ساختمان و مسکن این روستا، احساس امنیت در این روستا، اعتماد به مدیر روستا	۰/۸۸۸
	هویت مکانی	۰/۸۸۷

منبع: (گینتینگ و همکاران، ۲۰۱۷)

جدول ۳: شاخص‌ها و گویه‌های پژوهش بررسی متغیر زیست‌پذیری و شاخص‌های آن

ابعاد	شاخص‌ها	گویه‌ها	آلفای کرونباخ
زیست‌پذیری اقتصادی	اشتغال و درآمد	داشتن شغل مناسب، امکان دسترسی به شغل مناسب در روستا یا شهر مجاور، تعداد فرصت‌های شغلی در روستا، درآمد مناسب فرصت‌های شغلی موجود در روستا، تعدد فرصت‌های شغلی در شهر مجاور، درآمد مناسب فرصت‌های شغلی موجود در شهر مجاور	۰/۸۸۶
	مسکن	استحکام بنای مسکن، برخورداری از حمام مناسب و بهداشتی در مسکن، برخورداری از سیستم گرمایش و سرمایش مناسب در مسکن، برخورداری از روشنایی کافی در مسکن، برخورداری از سیستم دفع بهداشتی فاضلاب در مسکن، ساخت مناسب و کافی مسکن، تعداد اتاق‌های کافی در مسکن.	۰/۷۶۱
	حمل و نقل عمومی	ساعات کار وسایل نقلیه عمومی، تعداد وسایل نقلیه عمومی، تعداد وسایل نقلیه حمل بار، دسترسی مناسب به وسایل حمل و نقل عمومی.	۰/۶۶۹
زیست‌پذیری اجتماعی	امکانالت و خدمات زیرساختی	کیفیت راه دسترسی به شهر، کیفیت راه‌های دسترسی به روستاهای اطراف، کیفیت معابر و میدین، کیفیت آب شرب روستا، کیفیت تامین نیازهای روزمره توسط فروشگاه‌های خوارو بار روستا، کیفیت خدمات تعاونی روستایی یا تعاونی روستای محل مراجعه، کیفیت شبکه گاز لوله‌کشی.	۰/۶۲۱
	آموزش عمومی	فضای آموزشی مناسب و کافی مدارس، کیفیت دسترسی دانش آموزان به مدارس شهر مجاور، کیفیت تجهیزات آموزشی مدارس، کیفیت ساختمان‌های مدارس، کیفیت معلمان مدارس.	۰/۸۴۱
	بهداشت	کیفیت خدمات شبکه (خانه بهداشت) روستا	۰/۷۱۸
زیست‌پذیری اجتماعی	مشارکت و همبستگی	دلسوزی اهالی برای آبادانی روستا، ارتباط مردم با اعضای شورای اسلامی و دهیار روستا، خودیاری مردم در حین انجام پروژه‌های عمرانی در روستا، حضور و همفکری زنان روستا در امور روستا همانند مردان، روحیه کار گروهی در بین مردم روستا، احترام مردم روستا به یکدیگر، قابل اعتماد بودن دهیار روستا، قابل اعتماد	۰/۸۰۱

ابعاد	شاخص‌ها	گویه‌ها	آلفای کرونباخ
		بودن اعضای شورای اسلامی روستا، استقبال دهیاری و شورای اسلامی روستا از مشارکت مردم، قابل اعتماد بودن مردم روستا	
	پیوستگی و تعلق مکانی	تمایل به زندگی در روستا، حس دلتنگی در صورت دوری از روستا، رابطه خوب با بستگان و همسایگان در روستا، امیدواری به بهبود شرایط زندگی در روستا، تمایل به گذران اوقات فراغت در روستا، اعتقاد به روستا به عنوان مناسب‌ترین مکان برای زندگی در سطح منطقه، زندگی در روستا در صورت وجود شرایط کار و زندگی در شهر	۰/۷۵۷
	امنیت فردی و اجتماعی	پایین بودن میزان جرایم (سوء مصرف مواد مخدر، سرقت و...)، پایین بودن نزاع‌های قومی و طایفه‌ای، پایین بودن میزان نزاع بین افراد بومی و تازه وارد، امنیت تردد زنان در طی شبانه روز، امنیت تردد پیاده در شب، امنیت تردد سواره در شب، امنیت عبور از جاده و خیابان از نظر سرعت اتومبیل‌ها در طی شبانه‌روز، کیفیت عملکرد پاسگاه انتظامی	۰/۷۶۱
	تفریحات و اوقات فراغت	کیفیت خدمات و تجهیزات سالن ورزش روستا، وسعت کتابخانه روستا، کیفیت خدمات سالن فرهنگی و مذهبی مانند مسجد و حسینیه، کیفیت خدمات اماکن فرهنگی و تاریخی روستا، کیفیت خدمات فضاهای فراغتی و تفریحی مانند تالار اجتماعات	۰/۶۷۵
زیست‌پذیری محیطی	فضاهای سبز و باز	وسعت فضاهای بازی کودکان یا فضای سبز روستا، کیفیت فضای بازی کودکان از نظر امنیت و نظافت، محل قرار گرفتن محل بازی کودکان یا فضای سبز روستا	۰/۶۴۲
	آلودگی	کیفیت جمع‌آوری زباله در سطح روستا، کیفیت جمع‌آوری آب‌های سطحی، کیفیت جمع‌آوری فاضلاب، آرامش و فقدان آلودگی صوتی، آلودگی ناشی از رفت و آمد وسایل نقلیه، آلودگی ناشی از کارگاه‌های صنعتی، آلودگی ناشی از رفت و آمد وسایل نقلیه، آلودگی ناشی از کارگاه‌های صنعتی، آلودگی ناشی از نزدیکی به محل رهاسازی ضایعات و نخاله جات ساختمانی	۰/۶۳۶
	چشم‌انداز	چشم‌اندازهای زیبای طبیعی، چشم‌انداز مناسب ساختمان‌ها و معماری بناها، چشم‌انداز مناسب معابر و خیابان‌ها، چشم‌انداز فضای سبز روستا	۰/۶۷۱
		زیست‌پذیری	۰/۸۵۴

منبع: (محمدی استادکلایه و همکاران، ۱۳۹۷)؛ (جمعه‌پورو طهماسبی‌پور، ۱۳۹۲) و (رضوانی و خراسانی، ۱۳۹۲).

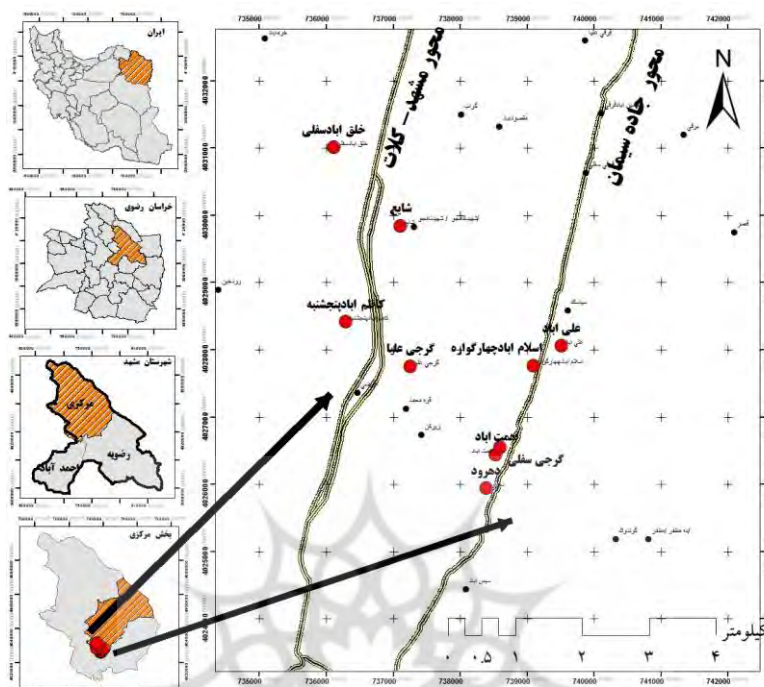
استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری مدل تأثیرات هویت مکانی بر زیست‌پذیری مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفت. جامعه آماری در دو سطح روستا و سرپرست خانوار است. دهستان تبادکان شهرستان مشهد شامل ۸۶ روستاست که از این تعداد روستا ۹ روستا که در محور سیمان و کلات قرار دارند به عنوان روستاهای نمونه انتخاب شده‌اند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران بر مبنای تعداد خانوار برابر با به طور تقریبی ۱۶۷ به دست آمد.

- $N =$ تعداد کل جمعیت آماری = ۱۲,۴۹۴
- $t =$ ضریب اطمینان: مقدار این ضریب برابر با ۱/۹۵ می‌باشد.
- $p =$ احتمال وجود صفت در جامعه = ۰/۰۵
- $q =$ احتمال عدم وجود صفت در جامعه = ۰/۰۵
- $d =$ دقت نمونه‌گیری (تفاضل نسبت واقعی صفت در جامعه با میزان تخمین محقق برای وجود آن صفت در جامعه) = ۰/۰۷۵

لازم به ذکر است پرسش‌نامه مذکور در ۳ قسمت طراحی گردید: بخش اول مربوط به ویژگی‌های شخصی پاسخگویان (سن، شغل، تحصیلات، درآمد و...)؛ بخش دوم به گویه‌های مربوط به هویت مکانی اختصاص داشت که در طیف ۵ قسمتی لیکرت طراحی شد و بخش سوم پرسش‌نامه مربوط به شاخص‌های زیست‌پذیری در روستاهای مورد مطالعه بود. در مجموع، روند تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از ضریب رگرسیون رابطه بین هویت مکانی و زیست‌پذیری بررسی شد و سپس ویژگی‌های هویت مکانی در بین روستاهای مورد مطالعه با استفاده از جداول توزیع فراوانی و آزمون t تک نمونه‌ای مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفت. برای اطلاع از رتبه روستا در زمینه هویت مکانی و زیست‌پذیری از روش تصمیم چندمعیارل ویکور استفاده گردید، در ادامه برای ارزیابی تأثیر هویت مکانی (متغیر مستقل پژوهش) بر زیست‌پذیری (متغیر وابسته پژوهش) با

بدین ترتیب خواهیم داشت:

$$n = \frac{12494 \times (3.8025) \times 0.5 \times 0.5}{12494(0.005625) + (3.8025) \times 0.5 \times 0.5} = \frac{11877.10875}{71.229375} = 166.744$$



شکل ۲: موقعیت روستاهای مورد مطالعه

ماخذ: نگارندگان؛ ۱۳۹۷

جدول ۴: روستاهای مورد مطالعه و برآورد حجم نمونه آن‌ها

محمور	نام روستا	خانوار	حجم نمونه
سیمان	اسلام آباد چهارگهواره	۵۴۱	۱۵
	دهرود	۳۳۱۷	۲۶
	علی آباد	۹۸۷	۱۷
	گرجی سفلی	۴۳۲۱	۳۰
	همت آباد	۴۷۷	۱۵
کلات	گرجی علیا	۶۷۲	۱۶
	کاظم آباد پنجشنبه	۸۷۴	۱۷
	خلق آباد سفلی	۸۲۴	۱۶
	شایع/نامجو	۴۸۱	۱۵
جمع کل		۱۲۴۹۴	۱۶۷

۱۳ درصد مجردند. از نظر سطح تحصیلات نیز، ۸/۳ درصد از پاسخگویان بی‌سواد، ۲۰/۷ درصد ابتدایی، ۲۹ درصد راهنمایی، درصد دیپلم، ۴/۱ درصد فوق دیپلم و ۷/۱ درصد تحصیلات لیسانس داشتند. ۶۵ درصد پاسخگویان مالک منزل مسکونی و ۳۵ درصد از

بحث اصلی

یافته‌های توصیفی پژوهش نشان می‌دهد که از مجموع پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه‌ها، ۵۹/۸ درصد را مردان و ۴۰/۲ درصد را زنان تشکیل می‌دهند؛ همچنین از مجموع پاسخگویان ۸۷ درصد متأهل و

باشد، بدین معنی است که میانگین جامعه در مورد آن متغیر بیشتر از مقدار مورد آزمون است؛ همچنین چنانچه اولی مثبت و دومی منفی باشد، میانگین جامعه تقریباً مقدار آزمون است. همچنین منفی بودن این دو مقدار، بدین معنی است که میانگین متغیر مورد نظر در جامعه کمتر از مقدار آزمون است و این متغیرها در جامعه مورد بررسی در سطح پایینی قرار دارند؛ بنابراین میانگین محاسبه شده شاخص‌ها با میانگین فرضی (۳) سنجش شده و ثابت می‌شود که میانگین واقعی نظر کل پاسخگویان از ۳ کوچکتر و در حد متوسط به پایین است و با توجه به میزان معناداری به دست آمده برای این مؤلفه‌ها به جز در مؤلفه‌ی تداوم با سطح معناداری (۰/۱۹۱ و بالاتر از سطح ۰/۰۵) تمامی مؤلفه‌ها معنادار بوده و قابلیت تعمیم به کل جامعه را دارد. با توجه به این که میانگین تمام شاخص‌های هویت مکانی کمتر از مقدار آزمون شده به جز دو شاخص تداوم و خودکارآمدی که در دو شاخص نیز میانگین جامعه تقریباً برابر آن شده است و این نتیجه گویای این است که شاخص‌های هویت مکانی در وضعیت مناسبی قرار نگرفته و بنابراین لزوم توجه جدی به این شاخص‌ها از سوی کارشناسان و مسئولان مطرح می‌گردد.

پاسخگویان در منازل استیجاری ساکن بودند. از نظر مدت سکونت در روستا، ۲۳/۱ درصد از پاسخگویان بین ۱-۵ سال و ۱۴/۸ درصد بین ۶-۱۰ سال ساکن بودند. ۱۸/۹ درصد از پاسخگویان بین ۱۱-۲۰ سال و ۴۳/۲ درصد از پاسخگویان بالاتر از ۲۰ سال ساکن بودند. در ارتباط با تعداد اعضاء خانوار، ۶۶ درصد پاسخگویان تا ۴ نفر و ۳۴ درصد باقیمانده بین ۵ تا ۷ نفر بودند.

بررسی وضعیت هویت مکانی روستاییان در منطقه مورد مطالعه: برای بررسی وضعیت میزان هویت مکانی توسط روستاییان با توجه به نرمال بودن شاخص‌های هویت مکانی (میزان معناداری حاصل از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف و شاپیرو ویلک) (جدول شماره ۵) از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده شده است. در این آزمون، چنانچه سطح معنی داری کمتر از مقدار خطا باشد چنین استنباط می‌شود که میانگین جامعه مورد نظر مقدار آزمون شده نیست. حال برای دریافتن این موضوع که میانگین جامعه بالاتر از مقدار آزمون شده و یا پایین تر از آن است می‌باید به حد بالا و حد پایین موجود در خروجی نرم افزار مراجعه نمود. در آزمون T تک نمونه‌ای چنانچه حد بالا و حد پایین هر دو مثبت

جدول ۵: نتایج آزمون نرمال بودن توزیع داده‌های هویت مکانی و شاخص‌های آن

نتیجه آزمون	شاپیرو ویلک		کولموگروف - اسمیرنوف		متغیر
	سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری	ضریب	
تأیید نرمال	۰/۰۰۰	۰/۹۰۵	۰/۰۰۰	۰/۱۵۵	تمایز
تأیید نرمال	۰/۰۰۰	۰/۹۶۴	۰/۰۰۲	۰/۰۹۰	تدام
تأیید نرمال	۰/۰۰۰	۰/۹۲۳	۰/۰۰۰	۰/۱۳۰	عزت نفس
تأیید نرمال	۰/۰۰۰	۰/۹۴۷	۰/۰۰۰	۰/۱۲۸	خودکارآمدی
تأیید نرمال	۰/۰۰۰	۰/۹۳۴	۰/۰۰۰	۰/۱۵۵	هویت مکانی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

جدول ۶: بررسی وضعیت هویت مکانی توسط روستاییان (آزمون T تک نمونه‌ای)

اختلاف فاصله اطمینان ۹۵ درصدی	اختلاف از میانگین		سطح معناداری	درجه آزادی	انحراف معیار	میانگین	آماره تی	متغیرهای تحقیق
	بالا	پایین						
-۰/۷۰۳۵	-۰/۹۸۱۷	-۰/۸۴۲۶۰	۰/۰۰۰	۱۶۸	۰/۹۱۵۷۸	۲/۱۵۷۴	۱۱/۹۶۱	تمایز
۰/۲۳۷۱	-۰/۰۴۷۷	۰/۰۹۴۶۷	۰/۱۹۱	۱۶۸	۰/۹۳۷۸۰	۳/۰۹۴۷	۱۳/۱۱۲	تدام
-۰/۵۲۵۴	-۰/۸۱۸۴	-۰/۶۷۱۹۳	۰/۰۰۰	۱۶۸	۰/۹۶۴۷۵	۲/۳۲۸۱	۹/۰۵۴	عزت نفس
۰/۴۵۶۱	۰/۱۶۶۱	۰/۳۱۱۰۷	۰/۰۰۰	۱۶۸	۰/۹۵۴۹۳	۳/۳۱۱۱	۴/۲۳۵	خودکارآمدی
-۰/۱۴۹۸	-۰/۳۸۰۳	-۰/۲۶۵۰۰	۰/۰۰۰	۱۶۸	۰/۷۵۸۹۴	۲/۷۳۵۰	۴/۵۳۹	هویت مکانی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

جدول ۷: محاسبه مقدار Q و رتبه‌بندی نهایی هویت مکانی در بین روستاهای مورد مطالعه

رتبه	Q	هویت مکانی	خودکارآمدی	عزت نفس	تداوم	تمایز	روستا
۱	۰/۱۰۰۰	۳/۷۲	۴/۹	۳/۵۶	۳/۹۵	۲/۸۷	کاظم آباد
۲	۰/۵۰۵	۲/۸۹	۲/۸۳	۲/۶۶	۳/۵۷	۲/۴۷	گرچی علیا
۳	۰/۵۸۸	۲/۹۷	۳/۹۱	۳/۳	۳/۳۱	۲/۲۸	شایع
۴	۰/۶۲۲	۲/۶۶	۳/۱۹	۲/۵۸	۲/۷۹	۱/۸۹	همت آباد
۵	۰/۷	۲/۵۹	۲/۸۵	۲/۳۳	۲/۹۷	۲/۱۶	اسلام آباد
۶	۰/۷۱	۲/۶۸	۳/۲۶	۲/۲۳	۳/۰۹	۲/۰۸	گرچی سفلی
۷	۰/۷۴۱	۲/۵۵	۳/۵۰	۲/۳۱	۲/۵۹	۱/۶۱	خلق آباد
۸	۰/۸۸۴	۲/۶۶	۳/۵۵	۱/۶۷	۳/۲۷	۲/۲۲	علی آباد
۹	۰/۹۸۸	۲/۲۳	۱/۷۴	۱/۷۲	۲/۵۷	۱/۹۸	دهرود

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

روستای خود رضایت ندارند. در کنار این موارد، می‌بایست مهاجرت‌های اخیر که از مشهد به این روستاها به دلیل گرانی زمین و مسکن موجب شده است نیز افزود. عامل بعدی که باعث پایین بودن حس هویت مکانی در نزد روستاییان شده است، مبحث اقتصادی و شرایط کار است که اساساً در روستاهای دهرود، علی‌آباد، و خلق‌آباد دیگر کشاورزی وجود ندارد و بیشتر روستاییان برای کار به مشهد مراجعت می‌کنند؛ بنابراین، در روستاهایی که ضریب هویت مکانی‌شان پایین می‌باشد می‌توان مواردی از قبیل رفاه اجتماعی، برخورداری از خدمات عمومی (جاده، راه، بهداشت، آموزش)، زیرساخت‌های عمومی (آب، برق، گاز)، محیط شغلی و شرایط اقتصادی، ترکیب جمعیتی، نرخ رشد جمعیتی بالا، بی‌عدالتی‌های مدیریت شهری، بی‌توجهی به وضعیت روستاها، عدم انگیزه و خواست روستاییان برای تغییر وضعیت روستای‌شان، از بین رفتن محیط روستایی (از بین رفتن زمین‌های کشاورزی)، تغییر مشاغل، را از جمله عواملی دانست که منجر به پایین آمدن حس هویت مکانی مردم روستا می‌گردد؛ اما در روستایی مثل کاظم‌آباد، هم ترکیب جمعیتی و ساختار اقتصادی روستای (مبتنی بر کشاورزی)، بافت اصیل خود را حفظ نموده است و روستاییان به دلیل وابستگی بیشتر

از جمله دلایل پایین امتیازات هویت مکانی در روستاهای دهرود، علی‌آباد و خلق‌آباد می‌توان به ضعیف بودن زیرساخت‌های بهداشتی، خدماتی مانند شبکه بهداشت و بی‌توجهی شهرداری مرکزی مشهد اشاره داشت. چنان که روستای دهرود اگرچه به لحاظ مسافتی نزدیک به مشهد است، اما روستایی مانند همت‌آباد جزء منطقه ۳ شهرداری مشهد قرار دارد و از خدمات شهرداری برخوردار می‌گردد، ولی روستای دهرود، کماکان به عنوان روستاست و زیر نظر بخشرداری اداره می‌شود. در روستاهای مذکور آب آشامیدنی مناسب وجود ندارد. این موارد که همگی تحت مدیریت روستایی و منطقه‌ای قرار دارند، اما بی‌توجهی مواجه شده‌اند و این خود عاملی است که ساکنان نخواهند دیگر در روستا و منطقه‌شان زندگی کنند و عزم مهاجرت به شهر مشهد را داشته باشند و این امر با برنامه دولت که تمایلی به بزرگ شدن شهرها و تحلیل رفتن بافت روستایی ندارد، در تضاد است. در واقع، روستاهایی مانند دهرود به‌عنوان ابرروستا شناخته شده‌اند ولی از بسیاری از خدمات رفاهی و شهرداری محرومند و این عاملی است که چندان نسبت به منطقه زندگی‌شان تعلق خاطر و هویت مکانی نداشته باشند. اگرچه در حال حاضر در روستا زندگی می‌کنند، اما به هیچ عنوان از وضعیت

هم به لحاظ قومیتی و هم شغلی، هویت مکانی بالاتری را ابراز نموده‌اند.

مقدار F در تحلیل واریانس، میزان برآزش مدل را نشان می‌دهد. یعنی نشان می‌دهد که آیا متغیرهای مستقل قادرند به خوبی تغییرات متغیر وابسته را

توضیح دهند یا خیر؟ همان‌طور که در جدول ذیل مشاهده می‌شود سطح معناداری F کوچک‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد لذا نتیجه گرفته می‌شود فرض تفاوت میانگین روستاها تأیید می‌شود و در مقابل فرض یکسانی آمارهای آن‌ها رد می‌شود.

جدول ۸: معناداری تفاوت بین میانگین‌ها در بین روستاهای مورد مطالعه

نام روستا	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار آنالیز واریانس (F)	معناداری (F)	برابری واریانس	معناداری برابری واریانس
دهرود	۲۷	۲/۲۴	۰/۳۰	۷/۲	۰/۰۰۰	۷/۱۴	۰/۰۰۱
همت آباد	۱۵	۲/۶۶	۰/۹۸				
علی آباد	۱۷	۲/۶۴	۰/۶۳				
اسلام آباد	۱۵	۲/۶۰	۰/۸۱				
شایع	۱۵	۲/۹۷	۰/۵۴				
گرچی علیا	۱۶	۲/۹۰	۰/۸۲				
کاظم آباد	۱۷	۳/۷۲	۰/۳۱				
خلق آباد	۱۶	۲/۵۵	۰/۸۳				
گرچی سفلی	۳۱	۲/۶۸	۰/۶۸				
مجموع	۱۶۹	۲/۷۳	۰/۷۶				

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

با توجه به جدول فوق و مقدار معناداری آزمون واریانس نتیجه گرفته می‌شود که هویت مکانی در بین روستاها با یکدیگر اختلاف معنادار دارد؛ همچنین با توجه به معناداری آزمون لون نتیجه گرفته می‌شود واریانس هویت مکانی در بین روستاها با یکدیگر اختلاف دارد و لذا جهت خوشه‌بندی روستاها بهتر است از آزمون دنت سی استفاده شود. همان‌طور که در جدول ذیل مشاهده می‌شود روستاهای دهرود،

خلق آباد، اسلام آباد، علی آباد، همت آباد، گرچی سفلی، در خوشه ۱ قرار گرفته‌اند یعنی از نظر هویت مکانی با هم اختلافی ندارند. در خوشه دوم روستاهای خلق آباد، اسلام آباد، علی آباد، همت آباد، گرچی سفلی، گرچی علیا و شایع قرار دارند. در خوشه سوم روستای کاظم آباد قرار دارد که نشان می‌دهد هویت مکانی در این روستا با روستاهای خوشه ۱ و ۲ اختلاف معناداری دارد.

جدول ۹: خوشه‌بندی روستاهای مورد مطالعه از نظر هویت مکانی

نام روستا	دهرود	همت آباد	علی آباد	اسلام آباد	شایع	گرچی علیا	کاظم آباد	خلق آباد	گرچی سفلی
دهرود	□	□	□	□	□	□	□	□	□
همت آباد	□	□	□	□	□	□	□	□	□
علی آباد	□	□	□	□	□	□	□	□	□
اسلام آباد	□	□	□	□	□	□	□	□	□
شایع	□	□	□	□	□	□	□	□	□
گرچی علیا	□	□	□	□	□	□	□	□	□
کاظم آباد	□	□	□	□	□	□	□	□	□
خلق آباد	□	□	□	□	□	□	□	□	□
گرچی سفلی	□	□	□	□	□	□	□	□	□

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

جدول ۱۰: نتایج آزمون نرمال بودن توزیع داده‌های متغیر زیست‌پذیری

نتیجه آزمون	شاپیرو ویلک		کولموگروف - اسمیرنوف		شرح
	سطح معناداری	ضریب	سطح معناداری	ضریب	
تأیید نرمال	۰/۰۰۰	۰/۸۱۲	۰/۰۰۰	۰/۲۰۵	اشتغال و درآمد
تأیید نرمال	۰/۰۰۰	۰/۸۳۶	۰/۰۰۰	۰/۲۳۹	مسکن
تأیید نرمال	۰/۰۰۰	۰/۹۱۹	۰/۰۰۰	۰/۱۹۰	حمل و نقل عمومی
تأیید نرمال	۰/۰۰۴	۰/۹۷۵	۰/۰۰۱	۰/۰۹۳	امکانات و خدمات زیرساختی
تأیید نرمال	۰/۰۰۰	۰/۹۵۸	۰/۰۰۰	۰/۱۱۷	زیست‌پذیری اقتصادی
تأیید نرمال	۰/۰۰۰	۰/۹۳۸	۰/۰۰۰	۰/۱۴۱	آموزش عمومی
تأیید نرمال	۰/۰۰۰	۰/۶۲۵	۰/۰۰۰	۰/۳۲۸	بهداشت
تأیید نرمال	۰/۰۴۶	۰/۹۸۴	۰/۰۰۵	۰/۰۸۵	مشارکت و همبستگی
تأیید نرمال	۰/۰۰۴	۰/۹۷۵	۰/۰۰۰	۰/۱۰۲	پیوستگی و تعلق مکانی
تأیید نرمال	۰/۰۰۰	۰/۹۶۱	۰/۰۰۰	۰/۱۲۲	امنیت فردی و اجتماعی
تأیید نرمال	۰/۰۰۰	۰/۶۳۹	۰/۰۰۰	۰/۳۷۸	تفریحات و اوقات فراغت
تأیید نرمال	۰/۰۰۲	۰/۹۷۲	۰/۰۰۳	۰/۰۸۷	زیست‌پذیری اجتماعی
تأیید نرمال	۰/۰۰۰	۰/۴۵۲	۰/۰۰۰	۰/۴۹۸	فضاهای سبز و بازی
تأیید نرمال	۰/۰۰۰	۰/۹۴۲	۰/۰۰۰	۰/۱۲۸	آلودگی
تأیید نرمال	۰/۰۰۰	۰/۴۴۵	۰/۰۰۰	۰/۵۰۰	چشم‌انداز
تأیید نرمال	۰/۰۰۰	۰/۹۵۲	۰/۰۰۰	۰/۰۹۹	زیست‌پذیری محیطی
تأیید نرمال	۰/۰۰۰	۰/۹۵۵	۰/۰۰۰	۰/۱۴۸	زیست‌پذیری

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۷

بررسی وضعیت زیست‌پذیری در منطقه مورد

مطالعه بین روستاییان: برای بررسی وضعیت زیست‌پذیری در منطقه مورد مطالعه بین روستاییان با توجه به نرمال بودن شاخص‌های زیست‌پذیری (میزان معناداری حاصل از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و شاپیرو ویلک) (جدول ۱۰) و آزمون T تک نمونه‌ای استفاده شده است.

مطابق با یافته‌های حاصل از آزمون T در جدول (۱۱)، متغیرهای مسکن؛ حمل و نقل عمومی؛ امکانات و خدمات زیرساختی؛ آموزش عمومی؛ بهداشت؛ مشارکت و همبستگی؛ امنیت فردی و اجتماعی؛ و آلودگی؛ دارای مقدار میانگین بالای ۳ می‌باشند و از وضعیت مناسب‌تری برخوردارند، اما به لحاظ معنادار بودن ابعاد زیست‌پذیری به‌طور کلی تنها بُعد زیست‌پذیری محیطی با سطح معناداری ۰/۰۰۰ اثرگذار بوده است و دو بُعد زیست‌پذیری اقتصادی (۰/۶۵۲)؛ و زیست‌پذیری اجتماعی (۰/۱۳۱)؛ دارای

سطح معناداری بالای ۰/۰۵ بوده‌اند و نمی‌توان این دو بُعد را اثرگذار تلقی نمود، اما به‌طور جزئی‌تر، در ابعاد اشتغال و درآمد، مسکن، امکانات و خدمات زیرساختی، بهداشت، امنیت فردی و اجتماعی، تفریحات و اوقات فراغت، فضاهای سبز و بازی و چشم‌انداز به دلیل پایین‌تر بودن از سطح ۰/۰۵ معنادارند. در مجموع نیز، سازه زیست‌پذیری با سطح ۰/۰۰۰ معنادار می‌باشد.

در ادامه برای تحلیل شاخص‌های زیست‌پذیری در نواحی روستایی شهرستان مشهد از مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره ویکور استفاده شد؛ بنابراین، بر اساس محاسبات انجام‌شده، با توجه به شاخص‌های زیست‌پذیری در محیط روستایی روستاهای شایع و علی‌آباد در منطقه مورد مطالعه در بهترین رتبه قرار دارند و روستای کاظم‌آباد کمترین مقدار و در پایین‌ترین رده قرار می‌گیرد (جدول ۱۱).

جدول ۱۱: معناداری تفاوت از حد مطلوب مولفه‌های زیست‌پذیری اقتصادی، اجتماعی و محیطی

متغیر	آماره تی	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	میزان معناداری	اختلاف از میانگین	اختلاف فاصله اطمینان ۹۵ درصدی	
							پایین	بالا
اشتغال و درآمد	۱۷/۰۸۹	۱/۷۷۹۱	۰/۹۲۸۷۷	۱۶۸	۰/۰۰۰	-۱/۲۲۰۹۱	-۱/۳۶۲۰	-۱/۰۷۹۹
مسکن	۱۶/۵۷۰	۳/۸۷۲۴	۰/۶۸۴۴۲	۱۶۸	۰/۰۰۰	۰/۸۷۲۳۶	۰/۷۶۸۴	۰/۹۷۶۳
حمل و نقل عمومی	۰/۹۲۴	۳/۰۸۵۸	۱/۲۰۷۶۳	۱۶۸	۰/۳۵۷	۰/۰۸۵۸۰	-۰/۰۹۷۶	۰/۲۶۹۲
امکانات و خدمات زیرساختی	۲/۳۸۹	۳/۱۵۶۲	۰/۸۵۰۰۶	۱۶۸	۰/۰۱۸	۰/۱۵۶۲۱	۰/۰۲۷۱	۰/۲۸۵۳
زیست‌پذیری اقتصادی	۰/۴۵۲	۲/۹۸۶۷	۰/۳۸۲۸۷	۱۶۸	۰/۶۵۲	-۰/۰۱۳۳۱	-۰/۰۷۱۵	۰/۰۴۴۸
آموزش عمومی	۱/۸۹۱	۳/۱۴۶۷	۱/۰۰۸۶۶	۱۶۸	۰/۰۶۰	۰/۱۴۶۷۵	-۰/۰۰۶۴	۰/۳۹۹۹
بهداشت	۱۷/۷۲۶	۴/۳۷۸۷	۱/۰۱۱۱۴	۱۶۸	۰/۰۰۰	۱/۳۷۸۷۰	۱/۲۲۵۱	۱/۵۳۲۳
مشارکت و همبستگی	۰/۲۴۵	۳/۰۱۴۲	۰/۷۵۴۰۶	۱۶۸	۰/۸۰۷	۰/۰۱۴۲۰	-۰/۱۰۰۳	۰/۱۲۸۷
پیوستگی و تعلق مکانی	۱/۳۸۹	۲/۹۱۳۸	۰/۸۰۶۸۰	۱۶۸	۰/۱۶۷	-۰/۰۸۶۲۲	-۰/۰۲۰۸۷	۰/۰۳۶۳
امنیت فردی و اجتماعی	۳/۱۵۴	۳/۲۰۹۳	۰/۸۶۲۸۶	۱۶۸	۰/۰۰۲	۰/۲۰۹۳۲	۰/۰۷۸۳	۰/۳۴۰۴
تفریحات و اوقات فراغت	۲۲/۰۱۶	۱/۵۱۴۸	۰/۸۷۷۰۰	۱۶۸	۰/۰۰۰	-۱/۴۸۵۲۱	-۱/۶۱۸۴	-۱/۳۵۲۰
زیست‌پذیری اجتماعی	۱/۵۱۸	۲/۹۳۴۹	۰/۵۵۷۳۵	۱۶۸	۰/۱۳۱	-۰/۰۶۵۰۹	-۰/۱۴۹۷	۰/۰۱۹۶
فضاهای سبز و بازی	۹۹/۷۷۲	۱/۱۰۰۶	۰/۲۴۷۴۹	۱۶۸	۰/۰۰۰	-۱/۸۹۹۴۱	-۱/۹۳۷۰	-۱/۸۶۱۸
آلودگی	۰/۷۴۵	۳/۰۵۹۲	۱/۰۳۲۳۲	۱۶۸	۰/۴۵۷	۰/۰۵۹۱۷	-۰/۰۹۷۶	۰/۲۱۵۹
چشم انداز	۷۰/۴۵۷	۱/۱۳۶۱	۰/۳۴۳۹۱	۱۶۸	۰/۰۰۰	-۱/۸۶۳۹۱	-۱/۹۱۶۱	-۱/۸۱۱۷
زیست‌پذیری محیطی	۲۱/۹۶۷	۲/۰۸۸۸	۰/۵۳۹۲۷	۱۶۸	۰/۰۰۰	-۰/۹۱۱۲۴	-۰/۹۹۳۱	-۰/۸۲۹۳
زیست‌پذیری	۳/۸۴۶	۲/۸۸۱۹	۰/۳۹۹۰۶	۱۶۸	۰/۰۰۰	-۰/۱۱۸۰۵	-۰/۱۱۷۸۷	-۰/۰۵۷۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

جدول ۱۲: محاسبه مقدار Q و رتبه‌بندی نهایی زیست‌پذیری در بین روستاهای مورد مطالعه

روستا	اجتماعی	اقتصادی	محیطی	زیست‌پذیری	Q	رتبه
شایع	۳/۴۱۴۳	۳/۰۷۱۱	۱/۹۵۷۱	۲/۹۸۸۰	۰/۰۷۴	۱
علی آباد	۳/۰۲۹۴	۲/۹۴۱۲	۲/۳۱۰۹	۲/۸۵۲۹	۰/۰۹۵	۲
همت آباد	۳/۲۶۶۷	۲/۷۶۸۹	۲/۲۰۰۰	۲/۸۵۱۹	۰/۲۱۸	۳
گرچی سفلی	۳/۰۳۱۱	۲/۸۳۸۷	۱/۸۸۲۵	۲/۷۲۷۶	۰/۳۲۵	۴
دهرود	۲/۹۷	۲/۴۵	۱/۹۷	۲/۵۶	۰/۴۷۹	۵
اسلام آباد	۳/۱۳۵۷	۲/۵۹۳۳	۱/۸۴۲۹	۲/۶۵۸۳	۰/۴۹۱	۶
خلق آباد	۳/۱۶۷۴	۲/۷۱۲۵	۱/۸۵۷۱	۲/۷۲۳۱	۰/۶۷۶	۷
گرچی علیا	۲/۸۱۰۳	۲/۹۳۳۳	۱/۹۲۸۶	۲/۶۹۰۱	۰/۹۷۴	۸
کاظم آباد	۲/۸۵۰۸	۳/۳۱۹۶	۱/۹۹۵۸	۲/۸۷۹۹	۱/۰۰۰	۹

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷

تحلیل فضایی رابطه بین هویت مکانی و زیست‌پذیری در نواحی روستایی: در این بخش برای بررسی رابطه بین هویت مکانی و زیست‌پذیری در سطح روستاهای مورد مطالعه، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. با توجه به آزمون همبستگی پیرسون در مواردی که احتمال آزمون از ۰/۰۵ کوچک‌تر باشد، فرضیه صفر آزمون مبنی بر

نبود ارتباط معنی‌داری بین متغیر مستقل با متغیرهای وابسته، رد می‌شود. در تحلیل فضایی رابطه بین هویت مکانی و زیست‌پذیری ارتباط معنی‌داری بین دو متغیر ذکر شده، در روستاهای اسلام‌آباد چهارگهواره، دهرود، گرچی سفلی، کاظم‌آباد و خلق‌آباد مشاهده نشد بر این اساس تنها در روستاهای علی‌آباد، همت‌آباد، گرچی‌علیا و شایع، ارتباط معنی‌دار بوده است.

جدول ۱۳: بررسی رابطه بین هویت مکانی و زیست پذیری به تفکیک روستا

نام روستا شرح	اسلام آباد چهار گهواره	دهرود	علی آباد	گرگی سفلی	همت آباد	گرگی علیا	کاظم آباد پنجشنبه	خلق آباد سفلی	شایع/ نامجو	کل
مقدار ضریب همبستگی	۰/۵۱۱	۰/۱۳۹	۰/۸۷۷	۰/۱۳۶	۰/۹۲۶	۰/۶۴۰	۰/۵۲۷	۰/۴۵۸	۰/۷۸۸	۰/۵۳۱
سطح معناداری	۰/۵۲	۰/۴۸۸	۰/۰۰۰	۰/۴۶۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۸	۰/۳۰	۰/۷۴	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰

بر اساس یافته‌های جدول (۱۴) مشاهده می‌شود که در روستاهای دهرود، اسلام‌آباد، گرگی سفلی و خلق آباد مقدار P-Value بیشتر از ۰,۰۵ است؛ یعنی تأثیر متغیر هویت مکانی بر ابعاد زیست‌پذیری در

روستاهای مذکور معنی دار نیست؛ در حالی که در روستاهای همت‌آباد، علی‌آباد، شایع، گرگی علیا و کاظم‌آباد متغیر هویت مکانی بر زیست‌پذیری معنی داری می‌باشد.

جدول ۱۴: بررسی اثر متغیر هویت مکانی بر زیست‌پذیری به تفکیک روستاها

محور	ردیف	نام روستا	مقدار آماره رابطه	سطح معناداری	نتیجه آزمون	نتیجه آزمون
سیمان	۱	دهرود	۰.۱۳۹a	۴۸۸b	۰/۴۹۴	در مدل معنی دار نیست.
	۲	همت آباد	۰.۹۲۶a	۰.۰۰۰b	۷۸/۲۴۹	در مدل معنی دار است.
	۳	علی آباد	۰.۸۷۷a	۰.۰۰۰b	۵۰/۰۶۹	در مدل معنی دار است.
	۴	اسلام آباد	۰.۵۱۱a	۰.۰۵۲b	۴/۵۸۵	در مدل معنی دار نیست.
	۵	گرگی سفلی	۰.۱۳۶a	۰.۴۶۵b	۰/۵۴۹	در مدل معنی دار نیست.
کلات	۶	شایع	۰.۷۷۸a	۰.۰۰۱b	۱۹/۹۷۷	در مدل معنی دار است.
	۷	گرگی علیا	۰.۶۴۰a	۰.۰۰۸b	۹/۷۲۵	در مدل معنی دار است.
	۸	کاظم آباد	۰.۵۲۷a	۰.۰۳۰b	۵/۷۷۷	در مدل معنی دار است.
	۹	خلق آباد	۰.۴۵۸a	۰.۰۷۴b	۳/۷۲۰	در مدل معنی دار نیست.

اثرگذاری هویت مکانی بر زیست‌پذیری روستاییان در منطقه مورد مطالعه: به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و جهت سنجش فرضیه‌های تحقیق از مدل‌سازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار Smart PLS استفاده گردیده است. الگوریتم تحلیل داده‌ها در PLS شامل سه بخش ۱- شاخص‌های مدل اندازه‌گیری مانند روایی همگرا (سطح بحرانی ۰/۵)، پایایی ترکیبی (سطح ۰/۷)، روایی تشخیصی یا واگرا ۲- شاخص‌های مدل ساختاری مانند ضریب تعیین (R2) متغیرهای مکنون درون‌زا (سه سطح ۰/۱۹ ضعیف،

۰/۳۳ متوسط، ۰/۶۷ قوی)؛ و ضرایب مسیر (بتا)، ضرایب معناداری T-Value (۱/۹۶) سطح معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد، ضریب Q2 برای متغیرهای درون‌زای مدل (سه سطح ۰/۰۲ ضعیف، ۰/۱۵ متوسط، ۰/۳۵ قوی) و در نهایت ۳- معیار آزمون مدل کلی (GOF) (سه سطح ۰/۰۱ ضعیف، ۰/۲۵ متوسط، ۰/۳۶ قوی) می‌شود.

روایی همگرا و واگرا: در جدول زیر مقادیر مربوط به روایی همگرا، و پایایی مرکب هر سازه آورده شده است.

جدول ۱۵: مقادیر روایی همگرا، پایایی مرکب و آلفای کرونباخ

متغیر	بُعد	روایی همگرا (AVE)	پایایی مرکب (CR)
هویت مکانی	تمایز	۰/۵۸۲	۰/۸۰۲
	تداوم	۰/۶۷۰	۰/۸۸۹
	عزت نفس	۰/۵۳۴	۰/۸۹۹
	خودکارآمدی	۰/۵۲۷	۰/۸۴۷
زیست‌پذیری		۰/۴۰۰	۰/۸۳۸

مقادیر CR برای همه سازه‌ها بالای ۰/۷ است و پایایی درونی خیلی خوبی دارند. در روایی تشخیصی یا واگرا میزان همبستگی بین شاخص‌های یک سازه با آن سازه و میزان همبستگی بین شاخص‌های یک سازه با سازه‌های دیگر مقایسه می‌گردد. برای سنجش روایی واگرای پرسش‌نامه از معیار فورنل و لارکر (۱۹۸۱) استفاده شده است. روایی تشخیصی در واقع مکمل روایی همگرا بوده است که نشان‌دهنده تمایز نشانگرهای یک متغیر پنهان از سایر نشان‌گرهای دیگر در همان مدل ساختاری دارد. از معیار از جذر مقادیر AVE سازه‌های تحقیق به دست می‌آید.

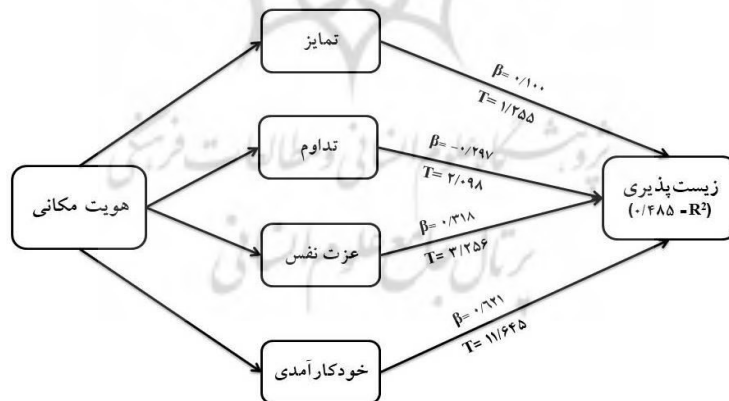
ضریب AVE در جدول فوق برای تمامی متغیرها جز در متغیر زیست‌پذیری، بالای ۰/۵ می‌باشد، که این مقادیر همگرایی قابل‌قبولی را نشان می‌دهند. سازه تداوم از ابعاد هویت مکانی با مقدار $AVE=0.670$ و تمایز با مقدار $AVE=0.582$ بالاترین میزان روایی همگرا را به خود اختصاص داد. در ارتباط با متغیر زیست‌پذیری ضریب AVE در همین مقدار پذیرفته می‌شود چرا که تمامی پرسش‌های باقی‌مانده در تحلیل از ضریب بار عاملی مناسبی برخوردار هستند و دیگر مجاز به حذف سؤال نمی‌باشد (داوری و رضازاده، ۱۳۹۲: ۱۳۷). با توجه به این که معیار CR به مراتب بهتر از آلفای کرونباخ است، یافته‌ها در جدول فوق نیز نشان می‌دهد که تمامی

جدول ۱۶: ماتریس سنجش روایی واگرا به روش فورنل و لارکر

عامل	تمایز	تداوم	عزت نفس	خودکارآمدی	زیست‌پذیری
تمایز	۰/۷۶۳				
تداوم	۰/۶۲۱	۰/۸۱۹			
عزت نفس	۰/۵۸۶	۰/۶۴۶	۰/۷۳۴		
خودکارآمدی	۰/۵۹۸	۰/۶۸۰	۰/۶۰۹	۰/۷۲۶	
زیست‌پذیری	۰/۴۴۴	۰/۴۶۸	۰/۵۰۴	۰/۵۷۳	۰/۷۰۷

بدین معنی که این عوامل تعامل بیشتری را با شاخص‌های خودشان در مدل دارد.

همانگونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود تمامی عوامل ارتباط بیشتری را با خودشان دارند.



شکل ۴: مقادیر R^2 ، β و مقادیر T-value

درون‌زای مدل برابر با ۰/۴۸۵ می‌باشد. بدین معنا که سازه زیست‌پذیری روستاهای پیراشهری به واسطه اثرگذاری متغیرهای مستقل مربوط به خود یعنی ابعاد هویت مکانی (تمایز، تداوم، عزت نفس و خودکارآمدی) توانسته است به میزان ۴۸/۵ درصد از تغییرات مربوط

در واقع ضریب تعیین نشان از تأثیری دارد که یک متغیر مستقل بر متغیر وابسته دارد و هرچه میزان این ضریب بیشتر باشد دال بر تبیین بیشتر متغیر وابسته از سوی متغیر یا متغیرهای مستقل دارد. چنان‌که در شکل فوق نشان داده شده است، ضریب R^2 برای سازه

باشد نشان از صحت رابطه میان سازه‌ها دارد. در شکل (شماره ...) تمامی مسیرهای مدل جز در رابطه میان تمایز و زیست‌پذیری (۱/۲۵۵) که کمتر از سطح ۱/۹۶ می‌باشد، سایر روابط نشان از معنی‌داری روابط میان سازه‌های مدل دارد. یعنی تداوم به سازه زیست‌پذیری (۲/۰۹۸)؛ عزت نفس به سازه زیست‌پذیری (۳/۲۵۶) و خودکارآمدی به سازه زیست‌پذیری (۱۱/۶۴۵) است که همگی روابط به دلیل بالا بودن از سطح ۱/۹۶ در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار می‌باشند.

معیار بعدی، ضریب Q^2 است که هدف آن توانایی مدل ساختاری در پیش‌بینی کردن به روش چشم‌پوشی می‌باشد. معروف‌ترین و شناخته‌شده‌ترین معیار اندازه‌گیری این توانایی، شاخص Q^2 استون-گایسلر است که بر اساس این ملاک مدل باید نشانگرهای متغیرهای مکنون درون‌زا انعکاسی را پیش‌بینی کند. هنسلر و همکارانش (۲۰۰۹) در مورد شدت قدرت پیش‌بینی مدل در مورد متغیرهای پنهان درون‌زا سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۵ را به ترتیب به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای این شاخص معرفی نمودند هدف از انجام این کار تعیین این مطلب است که آیا روابط بین سازه‌های درون‌زای مدل به‌خوبی تبیین شده است یا خیر؟ با توجه به این که در مدل تحقیق تنها متغیر وابسته سازه‌ی زیست‌پذیری می‌باشد، بنابراین، ضریب Q^2 در جدول زیر برای آن گزارش شده است.

به سازه خود را تبیین نماید. هرچه میزان این ضریب بیشتر باشد یعنی متغیر یا متغیرهای مستقل توانسته‌اند میزان زیادی از واریانس متغیر وابسته را تبیین نمایند و مدل از برازش مناسب‌تری در روابط میان سازه‌ها برخوردار است.

در ارتباط با مقادیر بتا یا همان ضرایب مسیر می‌توان عنوان نمود که بیانگر اثرگذاری مستقیم متغیر مستقل بر وابسته به صورت جداگانه دارد. بدین معنا که متغیر مستقل تا چه میزان توانسته است بر متغیر وابسته اثرگذار باشد. در واقع ضریب بتا سهم نسبی هر متغیر مستقل در پیش‌بینی تغییرات مربوط به متغیر وابسته را گزارش می‌کند. چنان که مشاهده می‌شود، متغیر تمایز به میزان ۰/۱۰۰ اثر مستقیم بر متغیر زیست‌پذیری دارد. بدین معنی که متغیر تمایز به میزان ۱۰ درصد توانسته است اثر مستقیمی بر سازه زیست‌پذیری بگذارد؛ همچنین متغیر تداوم به میزان ۰/۲۹۷- اثر مستقیم و معکوس بر سازه زیست‌پذیری دارد، بدین معنی که با افزایش در سازه تداوم به میزان یک واحد شاهد کاهش در سازه زیست‌پذیری به میزان ۰/۲۹۷- خواهیم بود. متغیر عزت نفس نیز به میزان ۰/۳۱۸ و متغیر خودکارآمدی به میزان ۰/۶۲۱ اثر مستقیم بر سازه زیست‌پذیری دارند. همان‌طور که مشاهده می‌شود متغیر خودکارآمدی به نسبت سایر متغیرها اثر مستقیم بیشتری به میزان ۶۲/۱ درصد بر سازه زیست‌پذیری می‌گذارد.

در ارتباط با ضرایب معناداری یا همان T-value هنگامی که رابطه بین سازه‌ها از مقدار ۱/۹۶ بیشتر

جدول ۱۷: قدرت پیش‌بین مدل، ضریب Q^2

سازه	SSO	SSE	1-SSE/SSO
زیست‌پذیری	۱۳۵۲	۱۱۳۶/۱۵۴	۰/۱۶

همان‌طور که در جدول فوق نشان داده شده است، سازه زیست‌پذیری به میزان (۰/۱۶) قدرت پیش‌بینی در مدل را به خود اختصاص داده است. در نتیجه، با توجه به موارد فوق، نتایج فرضیه‌های تحقیق و مقدار

GOF مدل در جدول زیر آورده شده است. چنان که در جدول زیر مشاهده می‌شود، هر سه فرضیه تحقیق با توجه به بالا بودن مقدار T-value از ۱/۹۶ تأیید می‌شوند.

جدول ۱۸: نتایج فرضیه‌ها و مقدار GOF

GOF	نتیجه تحقیق	ضریب معناداری	ضریب مسیر	رابطه	فرضیه
۰/۳۷۸	عدم حمایت از فرضیه	۱/۲۵۵	۰/۱۰۰	تمایز — زیست‌پذیری	H ₁
	حمایت از فرضیه	۲/۰۹۸	-۰/۲۹۷	تداوم — زیست‌پذیری	H ₂
	حمایت از فرضیه	۳/۲۵۶	۰/۳۱۸	عزت نفس — زیست‌پذیری	H ₃
	حمایت از فرضیه	۱۱/۶۴۵	۰/۶۲۱	خودکارآمدی — زیست‌پذیری	H ₄

متقابل بگذارد. چراکه به واسطه معنایش به ارزش‌ها و کنش‌های انسان خط می‌دهد؛ بنابراین، در چارچوب هویت مکانی و در راستای فضای روستایی مطلوب، باید محیط روستا به گونه‌ای ایجاد گردد که فرصت حضور برای روستاییان را در روستا فراهم کند. زمانی که مردم روستا از زندگی در روستای خود (در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی) رضایت داشته باشند تمایل و گرایششان به ماندگاری در محیط روستا افزایش می‌یابد و این افزایش تمایل در کنار ادراکات هویتی به آنان معنای عمیق‌تری نسبت به محیط روستای‌شان می‌دهد و انگیزه بالاتری برای زندگی در روستا پیدا خواهند کرد. باید توجه داشت که هویت مکان بر کیفیت هویت مکانی اثر می‌گذارد، اما خود مفهومی جداگانه دارد. در این پژوهش به تأثیر هویت مکانی بر زیست‌پذیری در روستاها پرداخته شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد: میانگین تمام شاخص‌های هویت مکانی کمتر از مقدار آزمون شده به جز دو شاخص تداوم و خودکارآمدی است که در دو شاخص نیز میانگین جامعه تقریباً برابر آن شده است و این نتیجه گویاست که شاخص‌های هویت مکانی در وضعیت مناسبی قرار نگرفته‌اند؛ همچنین نتایج نشان می‌دهد مؤلفه زیست‌پذیری اقتصادی و شاخص‌های مرتبط به آن بیشترین میانگین (۳/۲) را داراست و بعد از آن به ترتیب مؤلفه زیست‌پذیری محیطی با میانگین ۳/۰۴ و مؤلفه زیست‌پذیری اجتماعی با میانگین ۲/۸ در رده‌های بعدی قرار گرفته‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت که هویت مکانی بر زیست‌پذیری اقتصادی و محیطی بیشترین تأثیر را بر روستاهای مورد مطالعه داشته است. بر اساس نتایج مدل ویکور بنابراین، بر اساس محاسبات انجام‌شده، روستای کاظم‌آباد با عنایت به شاخص‌های هویت

شاخص نیکویی برازش (GOF) به صورت میانگین R^2 (۰/۴۸۵) و متوسط مقادیر اشتراکی (۰/۵۴۳) محاسبه می‌شود.

$$GoF = \sqrt{Communalities \times R^2}$$

این شاخص مجذور ضرب دو مقدار متوسط مقادیر اشتراکی و متوسط ضریب تعیین است. تزلزل و همکاران (۲۰۰۹) سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵، و ۰/۳۶ را به ترتیب به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی نمودند. بنابراین باتوجه به حاصلضرب ۰/۴۸۵ و ۰/۵۴۳ در رابطه فوق، مقدار GOF ۰/۳۷۸ برای مدل تحقیق، میزان برازش مدل در سطح قوی ارزیابی می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش بر وجه کمتر پرداخته شده هویت یعنی هویت مکانی و تأثیر آن بر زیست‌پذیری تأکید شده است. ذکر این نکته لازم است که باید بین "هویت مکانی" و "هویت مکان" تفاوت قائل شد. هویت مکانی به عنوان بخشی از هویت فرد مطرح است اما هویت مکان به ویژگی‌های قابل تشخیص مکان بیرونی اشاره دارد. هویت مکانی فرد می‌تواند منبعث از مکانی بی‌هویت یا باهویت باشد. هویت مکانی هم به واسطه عناصر، اشکال و فضاهای معنادار و هویت‌دهنده و هم به واسطه قرارگرفتن انسان در محیط ایجاد می‌گردد، به گونه‌ای که می‌توان چنین عنوان داشت که مکان بدون انسان هویتی ندارد. از آنجایی که رابطه میان انسان و مکان یک دو طرفه است و کنش و خواست انسانی معنی را به فضا مترتب می‌سازد، و فضای خالی را به یک مکان تجربه‌شده تبدیل می‌سازد، به همین نحو می‌تواند بر انسان نیز اثر

شهری مهاجرت نمایند. باید در نظر داشت که زیست‌پذیری، مفهومی از مجموعه شرایطی است که فرد را قادر به زندگی روزمره می‌کند، پس هنگامی که این مجموعه شرایط با اختلال مواجه گردد و حتی برای رفع ابتدایی‌ترین نیازها مانند آب آشامیدنی، حمام و امور روزمره با مشکلات عدیده‌ی در محیط روستایی روبرو گردد، جایی برای اندیشه و تفکر برای هویت مکانی‌شان نمی‌گذارد؛ همچنین، زیست‌پذیری مفهومی است که به ارتباط بین گذشته و آینده فرد در محیط زندگی خود اشاره دارد. زمانی که روستاییان این احتمال را بدهند که با ماندن در روستا آینده‌ای نخواهند داشت مسلماً روستا را ترک کرده و به رفتن از روستا فکر می‌کنند.

در پایان، برای این که بتوان ارتباط قوی میان هویت مکانی روستاییان و زیست‌پذیری روستایی برقرار نمود، می‌بایست عناصر دربرگیرنده محیط روستایی اعم از امنیت، فرصت‌های شغلی و اقتصادی، رفاه، سلامت، راحتی، تفریح و غیره را به مانند شهر با نیازهای روستاییان منطبق ساخت که با توجه به بی‌مهری‌های صورت گرفته هم از طرف مدیریت شهری و هم بخشداری در برخی روستاها عملاً این پیوند و ارتباط در وضعیتی بسیار بدی قرار دارد. در مجموع، هویت مکانی روستاییان هم در محور سیمان و هم محور کلات در وضعیت بسیار بدی قرار دارد که به نوبه خود بر زیست‌پذیری روستایی‌شان اثرگذار خواهد بود. اگرچه مهاجرت‌های اخیر قشر ضعیف که در حاشیه شهر مشهد ساکن بوده‌اند به این روستاها را نباید بر مبنای شهرگریزی تبیین نمود بلکه شرایط حاد اقتصادی و وضعیت نامطلوب درآمدی‌شان آنان را مجبور به ترک محیط شهری و اسکان در محیط‌های روستایی نموده است که این عامل خود بر شرایط بخرنج روستاها می‌افزاید.

۲. افروغ، عماد. ۱۳۹۴. فضا و جامعه؛ فضای شهری و

نابرابری اجتماعی. تهران: نشر علم.

۳. بندرآباد، علیرضا. و احمدی‌نژاد، فاطمه. ۱۳۹۳. ارزیابی

شاخص‌های کیفیت زندگی با تأکید بر اصول شهر

مکانی در مناطق روستایی منطقه مورد مطالعه در بهترین رتبه قرار دارد و روستای دهرود از نظر شاخص‌های هویت مکانی کمترین مقدار و در پایین ترین رده قرار می‌گیرد؛ همچنین نتایج حاصل از معادلات ساختاری نشان می‌دهد که تمامی مسیرهای مدل جز در رابطه میان تمایز و زیست‌پذیری (۱/۲۵۵) که کمتر از سطح ۱/۹۶ می‌باشد، سایر روابط نشان از معنی‌داری روابط میان سازه‌های مدل دارد. یعنی تداوم به سازه زیست‌پذیری (۲/۰۹۸)؛ عزت نفس به سازه زیست‌پذیری (۳/۲۵۶) و خودکارآمدی به سازه زیست‌پذیری (۱۱/۶۴۵) می‌باشد که همگی روابط به دلیل بالا بودن از سطح ۱/۹۶ در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار می‌باشند.

در واقع مطابق با یافته‌های تحقیق، در روستاهای مورد مطالعه، جز در روستای کاظم آباد در محور کلات، سایر روستاها از میانگین هویت مکانی پایینی برخوردار بودند و نشان از این موضوع دارد که دیگر محیط روستا آن چیزی نیست که روستاییان نسبت به آن تعلق خاطر داشته باشند و متقابلاً بر ادراک‌شان از زیست‌پذیری نیز تأثیر می‌گذارد. اگرچه یافته‌های معادلات ساختاری نشان داد که در ابعاد عزت نفس و خودکارآمدی هویت مکانی می‌توان اثر فزاینده‌ای را بر زیست‌پذیری روستایی انتظار داشت، اما می‌بایست در نظر داشت که صرف اکتفاء و پرداختن به این ابعاد نمی‌تواند ادراک روستاییان از هویت مکانی‌شان را ارتقاء داد، چراکه در بیشتر روستاهای مورد مطالعه وضعیت روستاییان در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی در موقعیت نامناسبی قرار دارند و به واسطه نزدیکی آنان به شهر مشهد، این امر سبب می‌گردد که حتی اگر هویت مکانی بالایی هم داشته باشند، به علت بهره‌مندی از شرایط مطلوب اقتصادی و اجتماعی بهتر، روستای خود را ترک کرده و به مناطق

منابع

۱. احمدی، علی. مهدوی، مسعود. ۱۳۹۳. رابطه کیفیت زندگی و حس تعلق مکانی در روستاهای در حال توسعه مطالعه موردی: شهرستان زندیه. پژوهش‌های روستایی، شماره ۴، صص ۸۲۷-۸۴۸.

۱۶. ساسان پور، فرزانه، تولایی، سیمین. جغرافی اسدآبادی، حمزه. ۱۳۹۳. قابلیت زیست‌پذیری شهرها در راستای توسعه پایدار شهری (مورد مطالعه: کلانشهر تهران). نشریه علمی پژوهشی جغرافیا، شماره ۴۲، صص. ۱۲۹-۱۵۷.
۱۷. شکویی، حسین. ۱۳۸۸. اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی. انتشارات گیتاشناسی جلد ۲، تهران.
۱۸. عیسی‌لو، علی‌اصغر. بیات، مصطفی. بهرامی، عبدالعلی. ۱۳۹۳. انگاره زیست‌پذیری رهیافتی نوین جهت ارتقای کیفیت زندگی در جوامع روستایی (مطالعه موردی: شهرستان قم، بخش کهک). فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۶، صص ۱۲۰-۱۰۷.
۱۹. فلاح، محمد صادق. ۱۳۸۵. مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده به آن. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۵، صص ۵۷-۶۶.
۲۰. کریمی‌مشاور، مهرداد. نگین‌تاجی، فرشاد. ۱۳۹۷. تأثیر هویت مکانی بر ایجاد حس وابستگی و نقش آن در شکل‌گیری منظر شهری (مطالعه موردی: شهر یاسوج). پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، شماره ۳۳، صص. ۶۹-۸۴.
۲۱. گیدنز، آنتونی. ۱۳۸۷. تجدد و تشخیص. مترجم: موفقیان، ناصر، تهران، نشر نی.
۲۲. لینچ، کوین. ۱۳۷۶. سیمای شهر. مترجم: مزینی، منوچهر. انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. محمدی‌استادکلایه، امین. خراسانی محمدامین. پهلوان‌زاده، حمیده. ۱۳۹۶. تحلیل و سنجش آثار اسکان مجدد بر زیست‌پذیری جوامع روستایی (مطالعه موردی روستاهای سیل‌زده شرق استان گلستان). مسکن و محیط روستا، شماره ۱۶۰، صص. ۵۸-۷۰.
۲۴. محمدی‌یگانه، بهروز. چراغی، مهدی. درویشوند، سکینه. ۱۳۹۴. تحلیل عوامل مؤثر در تحولات الگوی مسکن روستایی، با تأکید بر هویت. فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۹، صص. ۹۱-۱۰۲.
۲۵. مهدیان، عزیزاله. سرتیپی‌پور، محسن. ۱۳۹۱. مروری بر تحولات بهسازی مسکن روستایی و چشم‌انداز آتی. فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۰، صص ۳-۱۲.
۲۶. نورتقانی، عبدالحمید. پوردیهمی، شهرام. ۱۳۹۲. هویت و مسکن؛ بررسی ساز و کار تعامل هویت ساکنان و زیست‌پذیر در منطقه ۲۲ تهران، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، شماره ۱۶، صص. ۷۴-۵۵.
۴. بهفروز، فاطمه. ۱۳۷۴. زمینه‌های غالب در جغرافیای انسانی. انتشارات دانشگاه تهران.
۵. بیگدلی، زاهد. شریفی، سمیه. ۱۳۸۷. درآمدی بر مفهوم مکان، فصلنامه اطلاع‌رسانی و کتابداری، شماره: پیاپی ۴۴، صص. ۲۳۹-۲۵۴.
۶. پوراحمد، احمد. ۱۳۸۹. قلمرو فلسفه جغرافیا. تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۷. جمعه‌پور، محمود. طهماسبی‌پور، شهرزاد. ۱۳۹۲. تبیین میزان زیست‌پذیری و کیفیت زندگی در روستاهای پیرامون شهری. فصلنامه برنامه‌ریزی کالبدی فضایی، شماره ۳، صص. ۵۰-۶۳.
۸. جمعه‌پور، محمود. مطیعی‌لنگرودی، سیدحسن. حاجی‌حسینی، سمیرا. سلامی بیرامی، ابودر ۱۳۹۷. تبیین اثرات عوامل محیطی بر زیست‌پذیری نواحی روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان بوئین‌زهرا). پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، شماره ۲۱، صص. ۳۹-۵۶.
۹. جنکینز، ریچارد. ۱۳۸۱. هویت اجتماعی. مترجم: یاراحمدی، هوشنگ. تهران، انتشارات شیرازه.
۱۰. حیدری‌ساریان، وکیل. ۱۳۹۵. بررسی رابطه گردشگری با هویت اجتماعی جوانان روستایی شهرستان. مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، شماره ۱۹، صص. ۱۳۰-۱۵۲.
۱۱. خراسانی، محمدامین. رضوانی، محمدرضا. ۱۳۹۲. شناخت و تحلیل تفاوت زیست‌پذیری روستاهای پیرامون شهری در شهرستان ورامین. ۲ (پیاپی ۴)، ۵۵-۷۴.
۱۲. دانشپور، عبدالهادی. ۱۳۷۹. بازشناسی مفهوم هویت در فضای عمومی شهر (خیابان) نمونه موردی: خیابان انقلاب تهران، رساله دکتری، استاد راهنما: اعتصام، ایرج. دانشگاه تهران، دانشکده هنرهای زیبا، گروه شهرسازی.
۱۳. دهخدا، علی‌اکبر. ۱۳۳۷. لغت‌نامه. تهران: دانشگاه تهران.
۱۴. رضوانی، محمدرضا. احمدی، علی. ۱۳۸۸. مکان و نقش فرهنگ در شکل‌گیری هویت مکانی، پژوهش‌نامه فرهنگی، شماره ۶، صص ۴۵-۶۸.
۱۵. سادات‌حبیبی، رعناسادات. ۱۳۸۷. تصویرهای ذهنی و مکان. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۵، صص. ۳۹-۵۰.

- Increasing Tourism in Karo District, Indonesia Based on Place Identity. *Environment-Behaviour Proceedings Journal*. 24: 177-184.
39. Goldman, I., and Nel, E. 2005. Investigation of Pro-Poor Local Economic Development in South Africa. *African Institute for Community-Driven Development*.
40. Gu, H., and Ryan, C. 2008. Place attachment, identity and community impacts of tourism - the case of a Beijing hutong. *Tourism Management*, 29(4): 637-647.
41. Heylen, K. 2006. Liveability in social housing: Three case-studies in. ENHR Conference 'Housing in an Expanding Europe: Theory, Policy, Implementation and Participation, Ljubljana (Slovenia). 1-24
42. Howley, P., Scott, M., and Redmond, D. 2006. Sustainability versus liveability: an investigation of neighbourhood satisfaction. *Journal of Environmental Planning and Management*. 59 (2)
43. Jose Daniel, P. 2008. The Silesia Megapolis: A study of the vision, plans and possibilities. *Blekinge Institute of Technology, School of Technoculture, Humanities and Planning*.
44. Larice, M.A. 2005. Great Neighborhoods: The Livability and Morphology of High Density Neighborhoods in Urban North America. *University of California, Berkeley*.
45. Leby, J.L., and Hashim, A. 2010. Liveability dimensions and attributes: Their relative importance in the eyes of neighbourhood residents. *Journal of Construction in Developing Countries*, 15 (1): 67-91
46. Lennard, S.H., and Lennard, H. 1995. *Livable Cities Observed*.
47. Lewicka, M. 2008. Place attachment, place identity, and place memory: Restoring the forgotten city past. *Journal of Environmental Psychology* (3) 28, 209-231.
48. Lukermann, F. 1964. Geography as a formal intellectual discipline and the way in which it contributes to human knowledge. *The Canadian Geographer / Le Géographe Canadien*. 8(4): 167-172.
- محیط مسکونی. فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۴۱. صص ۳-۱۸.
۲۷. وارثی، حمید. عامل بافنده، مهدی. محمدزاده، محمد. ۱۳۸۹. بررسی و تحلیل مولفه‌های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی ساکنان شهرهای جدید (مطالعه موردی: شهر گلپه‌هار). پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، شماره، صص. ۱۷-۳۶.
۲۸. هاتفی شجاع، سمیه. اعتصام، ایرج. اسلامی، سیدغلامرضا. ۱۳۹۵. بازنمایی هویت مکانی روستاهای حومه‌ای در طرح‌های توسعه روستایی (مطالعه موردی: روستای دره مرادیگ شهرستان همدان). فصلنامه پژوهش‌های روستایی، شماره ۴، صص. ۷۲۰-۷۳۱.
29. Barresi, J. 2002. From 'the Thought is the Thinker' to 'the Voice is the Speaker': William James and the Dialogical Self. *Theory & Psychology*, 12 (2): 237-250.
30. Blasingame, L. 1998. Sustainable cities: Oxymoron, utopia, or inevitability? *The Social Science Journal*, 35 (1): 1-13.
31. Bonaiuto, M., Giuseppe, C., Martorella, H., and Bonnes, M. 2002. Local identity processes and environmental attitudes in land use changes: The case of natural protected areas. *Journal of Economic Psychology*, 23(5): 631-653.
32. Breakwell, G. 1986. *Coping with Threatened Identities*. London.
33. Budruk, M., Thomas, H., and Tyrrell, T. 2009. Urban Green Spaces: A Study of Place Attachment and Environmental Attitudes in India. *Society and Natural Resources*, 22(9): 824-839
34. Cowan, R. 2005. *The Dictionary of Urbanism*. Streetwise Press.
35. Downing, F. 2003. Transcending memory: emembrance and the design of place. *Design Studies*, 24 (3): 213-235
36. Edward, R. 1993. *Modernity and The Reclamation of place*. D. Seamon, Dwelling, Seeing, and Designing: Toward a Phenomenological Ecology. SUNY Press 1-363
37. Ginting, N., and Wahid, J. 2017. Defining Distinctiveness Aspect of Place Identity in Urban Heritage Tourism. 8th International Conference on Architecture Research and Design (AR+DC). 41-51
38. Ginting, Nurlisa, Rahman, N. Vinky, Nasution, Achmad Delianur. 2017.

56. Vergunst, P. 2003. Liveability and ecological land use: the challenge of localisation. Uppsala: Doctoral thesis Department of Rural Development Studies, Swedish University of Agricultural.
57. Victorian, C.A. 2008. A state of liveability : an inquiry into enhancing Victoria's liveability /Victorian Competition and Efficiency Commission. Melbourne: Victorian Competition and Efficiency Commission.
58. Wang, S. 2016. Roles of Place Identity Distinctiveness and Continuity on Resident Attitude toward Tourism. *European Journal of Tourism Research*. 13: 58-68.
59. Wang, Suosheng; Chen, Joseph. 2015. The influence of place identity on perceived tourism impacts. *Annals of Tourism Research* 52: 16-28.
60. Williams, D.R., and Vaske, J. 2003. The measurement of place attachment: validity and generalizability of a psychometric approach. *Forest Science*, 49(6): 830-840.
61. ZhanWang, X. 2010. The research on the evaluation index system of livable rural areas in China—by the case of rural areas in Henan Province. *Agriculture and Agricultural Science Procedia*. 1: 456-461.
49. McKercher, B., Wang, D., and Park, E. 2015. Social impacts as a function of place change. *Annals of Tourism Research* 50: 52-66.
50. Norberg-Schulz, C. 1980. *Genius Loci: Towards a Phenomenology of Architecture*. New York: Rizzoli.
51. Norris, T., and Pittman, M. 2000. The healthy communities movement and the coalition for healthier cities and communities. *Public Health Reports*, 115(3): 118-124.
52. Pretty, G.H., MChipuer, H., and Bramston, P. 2003. Sense of place amongst adolescents and adults in two rural Australian towns: The discriminating features of place attachment, sense of community and place dependence in relation to place identity. *Journal of Environmental Psychology*. 23 (3): 273-287.
53. Proshansky, H.M., Fabian, A., and Kaminoff, R. 1983. Place-identity: Physical world socialization of the self. *Abbe K. Fabian*, 3 (1): 57-83.
54. Radcliff, B. 2001. Politics, markets and life satisfaction: The Political economy of human happiness. *The American Political Science Review*, 95(3): 939-955.
55. Relph, E. 2008. *Place and Placelessness*. London: Pion Ltd; UK ed. edition.